



دو فضایی شدن دیپلماسی، مورد پژوهی دیپلماسی آمریکا

محمد میرعلی محمدی^۱

سعیدرضا عاملی^۲

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

^۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه تهران (mamohammadi@yahoo.com)

^۲. دانشیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران (ssameli@ut.ac.ir)

چکیده

این پژوهش مسئله تأثیر "انقلاب ارتباطات همزمان" و توسعه فضای مجازی و در نتیجه دو فضایی شدن جهان بر دیپلماسی را نشان می‌دهد و ضمن مطالعه پیامدهای فراگیر، آشوبناک غیرمکانی و غیرزمانی توسعه فضای مجازی بر نهاد و ساختار دیپلماسی و روند تطبیق دیپلماسی با محیط مجازی و در نتیجه دو فضایی شدن آن را واکاوی و آثار فضای دوگانه واقعی-مجازی بر دیپلماسی آمریکا را بررسی کرده است. لذا این پرسش اصلی مطرح شده است که "دو فضایی شدن جهان" چه تأثیری بر دیپلماسی و به‌طور خاص دیپلماسی ایالات متحده آمریکا داشته است؟ فرضیه پژوهش این است که دیپلماسی به‌دلیل ماهیت ارتباطی آن، به‌طور تاریخی تحت تأثیر تحولات در فن‌آوری ارتباطات بوده و "انقلاب ارتباطات همزمان" به‌عنوان تازه‌ترین تحول در فن‌آوری ارتباطات، با دو فضایی کردن جهان و ایجاد جهان‌های موازی موجب دسته‌ای از تحولات قابل مشاهده در مفاهیم، نهاد، ساختار و روش‌های اجرای دیپلماسی، از جمله سرعت بیشتر و هزینه کمتر دیپلماسی، افزایش بازیگران، غلبه موضوعات جهانی بر موضوعات دوجانبه، و ظهور شاخه‌های جدید از جمله دیپلماسی دیجیتال، دیپلماسی عمومی دو، دیپلماسی سایبری، و توپدیپلماسی (Twiplomacy) شده است. این مقاله روش تحقیق ترکیبی شامل "مطالعه موردی" و "تحلیل تاریخی مقایسه‌ای" را برای مطالعه پیامدهای دو فضایی شدن جهان بر دیپلماسی ایالات متحده آمریکا به کار می‌گیرد.

● واژگان کلیدی

دیپلماسی، دو فضایی شدن، فضای مجازی، دیپلماسی آمریکا، اینترنت، انقلاب ارتباطات همزمان.

انقلاب دیجیتال مهم‌ترین تحول فن‌آوری در تاریخ بشر است (Schmit, Cohen, 2013:10). امروز، انقلاب دیجیتال، با شتاب زیاد وارد فضای زندگی اجتماعی شده و آن را متحول و به دو قسمت تقسیم کرده است. یک فضای مجازی گسترده در موازات فضای واقعی با ویژگی‌های غیرمنتظره‌ای مانند غیرمکانی بودن، غیرزمانی بودن و آشوب کامل ایجاد شده است که مفهوم قدیمی فضای کار و زندگی با محوریت فیزیکی بودن، جغرافیایی و سرزمینی بودن و حاکمیت دولت بر آن‌را به چالش می‌کشد (عاملی، ۱۳۸۹:۱۷۵). این تحول عظیم، بسیاری از حوزه‌های کنش اجتماعی را- از جمله دیپلماسی که یک کارکرد برجسته آن برقراری ارتباطات است، متحول می‌سازد.

تحلیل‌گران اجتماعی "فضا"^۱ را امری ناشناخته می‌دانند، اگر چه "جغرافیا" و "سرزمین" ویژگی‌هایی تعیین کننده در زندگی اجتماعی هستند (Lefebvre, 1991:69). ارتباط بین مردم همیشه در جایی اتفاق می‌افتد؛ در یک فضا، یک مکان، یک جا، در یک دامنه و یا یک سایت. هیچ توصیفی از تحولات اجتماعی بدون توجه به مؤلفه فضا کامل نیست. فضا از ویژگی‌های اصلی زندگی اجتماعی است، هویت جامعه را شکل می‌دهد، جایی است که مردم دانش تولید، زمان را تجربه و حکومت ایجاد می‌کنند. لذا با توجه به این ارتباطات متراکم، تغییر در فضا بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد (Schutt, 2006:15).

اما در خصوص فضای زندگی اجتماعی بر سیاسی خارجی، هارولد و مارگارت اسپروت (۱۹۵۶)، درباره شرایطی که در آن نیروهای محیط و فضا بر تصمیمات سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند، مطالعه کرده و با معرفی یک نظریه پنج وجهی، اعلام کردند این دو متغیر در شرایط مختلف دسته ای از تأثیرات جدی تا تأثیرات اندک را بر انتخاب یک سیاست از میان چندین گزینه دارند (Sprout, H. Sprout, M. 1956:310-315). هدلینگ و برمبرگ (۲۰۲۱) نیز معتقدند که دیپلمات‌ها بایستی در عمل بین محیط آنلاین و آفلاین توازن برقرار کنند و دیپلمات‌هایی که در دنیای آنلاین ضعیف عمل می‌کنند عواقب آن را در دنیای آفلاین متحمل می‌شوند (Hedling and Bremberg, 2021:1595). اریک اشمیت، رئیس گوگل و جرد کوهن، از معماران طرح "حکومت‌داری قرن بیست و یکم آمریکا" و مشاور هیلاری کلینتون و

¹. spatial

کوندولیزا رایس، وزیرای خارجه سابق آن کشور در کتاب "عصر دیجیتال جدید" (2013)، استدلال می‌کند که دولت باید دو جهت‌گیری کلی و دو سیاست خارجی آنلاین و آفلاین، یکی برای دنیای فیزیکی-واقعی و دیگری برای دنیای مجازی ایجاد کند؛ زیرا "اکثر قریب به اتفاق ما به‌طور فزاینده‌ای حس می‌کنیم در دو جهان زندگی و کار می‌کنیم و اداره می‌شویم." مزیت دیپلماسی دیجیتال در مداخله آن در حوزه دیپلماسی در زمان و مکانی است که دیپلمات‌ها امکان پیشرفت ندارند (Schmidt & Cohen, 2013:114). هم‌چنین، گوئنهنو (۱۹۹۳) این پدیده را عامل "امپریالیسم جدید" می‌داند و آن‌را به امپراتوری جهانی ضعیف رم تشبیه می‌کند که در آن: «اراده دولت برای افزایش ارتباطات با هراس نسبت به از دست دادن کنترل بر شبکه‌های قبلی متوازن می‌شود ... یک بازار بورس غول پیکر از اطلاعات که هرگز بسته نمی‌شود ... هر چه اطلاعات بیشتر باشد، عدم توازن بیشتر است» (Guehenno, 1995:56).

در نتیجه تحول دیجیتال، مفاهیم زیربنایی دیپلماسی مانند "قدرت"، "حاکمیت ملی" و "منافع ملی" متحول و دو فضایی شده‌اند. "قدرت" پراکنده، از انحصار دولتی خارج و افکار عمومی قدرتمند شده است. قدرت هم‌چنین داده‌ای شده و داده‌ها و هوش مصنوعی بنیاد قدرت جدید را شکل می‌دهند. "حاکمیت ملی" از برجسته‌ترین مفاهیم دیپلماتیک به دو بخش تقسیم و حاکمیت دولت‌ها بر فضای دوم مجازی به حاکمیت سنتی بر فضای واقعی افزوده شده است. موضوعات جدیدی نظیر "احترام بین‌المللی" و یا "امنیت سایبری" به فهرست منافع ملی اضافه و آن را هیبریدی کرده است. شبکه‌های اجتماعی با ظرفیت بزرگ شبکه‌سازی، منجر به ایجاد جوامعی مجازی از افراد هم‌فکر، هم‌وطن، و هم‌حرفه در سطح جهانی شده، و با تضعیف هویت ملی، هویت‌های دوگانه و جوامع دو هویتی در دل کشورها ایجاد کرده که دیپلماسی را به چالش می‌کشند.

در این میان، نهاد دیپلماسی شامل هنجارها؛ نقش‌ها؛ و قواعد دیپلماسی متحول شده و دیپلماسی دو هنجاری، دو جهته، چند بازگیری و چند موضوعی شده است و دیگر محدود به روش سنتی دیپلماسی افقی، ارتباط دولت-دولت محدود نیست. با ظهور دیپلماسی عمودی، تعامل دولت‌ها با ملت‌ها دو جهته، افقی - عمودی شده است. دولت‌ها دیگر تنها بازیگران عرصه دیپلماسی نیستند. افراد، نهادهای نیمه‌دولتی، غیردولتی و بخش خصوصی بازیگران جدید و تأثیرگذار در دیپلماسی به شمار می‌روند. دخالت بازیگران متعدد، علاوه بر پیچیده و حرفه‌ای کردن مذاکرات دیپلماتیک، نقش دیپلمات‌ها را از مذاکره‌کننده به مدیر و ناظر مذاکرات تغییر داده است.

علاوه بر این، ابزارهای دیپلماسی نیز هیبرید شده‌اند. استفاده از ابزارهای دیجیتال در دیپلماسی رایج و مکمل یا جایگزین ابزارهای سنتی شده است. شبکه‌های اجتماعی، کنفرانس‌های آنلاین، داده‌های بزرگ، الگوریتم نویسی و نرم افزارهای تحلیل داده بر پایه هوش مصنوعی، ابزارهای واقعیت مجازی و غیره، باعث تحول در ابزارها و روش‌های دیپلماسی شده‌اند. برخی ابزارهای دیجیتالی مانند "مشاور اطلاعات تجاری و مذاکره (TINA)" توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه به دیپلمات‌ها معرفی شده تا به مذاکرات پیچیده چندجانبه کمک کند (UNESCAP,2022).

این فضای جدید مجازی که عمدتاً در آزمایشگاه‌های آمریکا و توسط شرکت‌های آمریکایی توسعه یافته، از همان ابتدا بر دستورکار دیپلماسی آمریکا با این تصور که بایستی از این فرصت بی نظیر و از این مزیت فنی به‌عنوان اهرمی برای تسلط بر فضای جدید استفاده کرد، تأثیر گذاشته است (U.S. Congress,1999:2). دنیای جدیدی که در آن تنها یک اینترنت وجود دارد، یک اینترنت آمریکایی، که برای همه آزاد توصیف شده و تحت رهبری جهانی آمریکاست (Clinton,2010:2).

با توجه به آنچه گفته شد، این مطالعه تلاشی برای پاسخ به این پرسش است که اثر تحول دیجیتال، دو فضای شدن جهان و ظهور جهان‌های موازی نامتناهی، بر دیپلماسی چیست و چگونه دیپلماسی و به ویژه دیپلماسی آمریکا، تحت تأثیر انقلاب ارتباطات هم‌زمان و گسترش فضای مجازی قرار گرفته است؟

چارچوب مفهومی

به نظر می‌رسد که مطالعه اندکی در مورد مفهوم "فضا" در دیپلماسی انجام شده است. مشکل به مفهوم فضا محدود نیست زیرا دیپلماسی به‌طور کلی از فقدان چارچوب نظری رنج می‌برد (Der-derian,1987:91). برای جبران این خلاء در پژوهش حاضر از یک چارچوب مفهومی ترکیبی، ویژه‌ی نظم بخشیدن به پژوهش‌های پیچیده استفاده شده است.

در این خصوص، سعید رضا عاملی (۱۳۸۲) مشکل را از زاویه وسیع‌تر با تمرکز بر تأثیر فن‌آوری دیجیتال بر فضای زندگی بشر از طریق ایجاد فضایی متفاوت با فضای زندگی واقعی اما به موازات آن بررسی می‌کند. فضای جدیدی که عمدتاً با ویژگی مفهومی بودن، "داده‌ای بودن"، ماهیت صنعتی، و ویژگی‌های غیرمکانی و غیرزمانی، از فضای واقعی متمایز می‌شود.

عاملی آن را فرآیند دو فضایی شدن جهان و دو لایه شدن زندگی انسان می‌داند، دو فضایی که از هم جدا اما در چندین نقطه به هم متصل می‌شوند و پیوسته بر یکدیگر و بر روند تحولات اجتماعی تأثیر می‌گذارند و بنابراین باید با هم مطالعه شوند (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

بر اساس این نظریه، دنیای واقعی با مشخصات خاصی از دنیای مجازی جدا می‌شود:

۱. داشتن مکان و مفاهیم مرتبط با آن مانند جغرافیا و قلمرو، که با نزدیکی یا دوری توصیف و با فاصله فیزیکی سنجیده می‌شوند. کشورها، بازیگران اصلی دیپلماسی، بر اساس همین قلمروی فیزیکی تعریف می‌شوند.
۲. عینی و واقعی است و با حواس چهارگانه قابل احساس است.
۳. تمایز فرهنگ و هویت؛ جوامعی که در یک جغرافیا هستند، دارای باورها و سبک زندگی مشترک بوده و از سایرین قابل تمایزند.
۴. زمان در دنیای واقعی ماهیت خطی دارد، گذشته، حال و آینده به ترتیب ظاهر می‌شوند.
۵. ارتباطات در فضای واقعی هزینه زیادی دارد.
۶. دارای نظام سیاسی دولت-ملت است و اعضای جامعه دارای حقوق مشخص هستند.

در مقابل جهان مجازی با مشخصات زیر از فضای واقعی قابل تمایز است:

۷. دیجیتال و قابل برنامه ریزی بودن، بر اساس ظرفیت های الگوریتمی.
۸. غیرمکانی و بی-مرز بودن؛ عدم تمایز مرکز و پیرامون، نزدیک و دور، از نظر جغرافیایی.
۹. بی‌زمان بودن؛ زمان مجازی یک مفهوم خطی نیست. ۲۴ ساعته است.
۱۰. داده‌ای بودن؛ داده به عنوان مبنای قدرت، ماهیت دسته جمعی پیدا می‌کند.
۱۱. همه جانبه‌گی فراگیر؛ ساختار شبکه‌ای فضای مجازی یک مجموعه ارتباطی نامحدود با ظرفیت های جدید ایجاد می‌کند.
۱۲. فقدان دولت و آشوبناکی فراگیر.

از نظر عاملی، یک "روند دائمی کنش متقابل هم‌زمان بین دو فضا"، مبتنی بر رقابت آن دو، تحولات اجتماعی جهان دو فضایی را شکل می‌دهد (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۲). این وابستگی در قالب "ادغام/جوش" و "شکافت" دائمی دو فضا در دو سطح خرد / فردی و کلان / بین‌المللی اتفاق

می‌افتد (Goodin, 2008:570). منظور از وابستگی متقابل شرایطی است که یک اقدام در یک فضا منجر به اقدام متقابل در فضای دیگر می‌شود. یک تصمیم دیپلماتیک بر اساس درک از فضای طرف مقابل و اقدام متقابل رخ می‌دهد. برای شناخت این وابستگی بین دو فضای آنلاین و آفلاین، می‌توان از یک الگوی چهار وجهی استفاده کرد: اجبار، مهاجرت، رقابت، و تقلید. فضای مجازی منجر به برخی تغییرات اجباری در نهاد و سازمان دیپلماسی شده است، برخی فعالیت‌های آن به فضای جدید مهاجرت کرده، گروهی دیگر در هر دو فضا مطابق شرایط و رقابت بین دو فضا اجرا می‌شوند و در شرایطی فضای مجازی از یک رفتار در فضای واقعی تقلید می‌کند.

جوزف نای نیز در نظریه "قدرت هوشمند" در سطح خرد به مفهوم قدرت و نقش انقلاب دیجیتال در تحول نظریه سنتی قدرت و ایجاد قدرت نرم اشاره می‌کند. نای (۲۰۰۳) در بحث پیرامون پیامدهای این انقلاب برای دیپلماسی آمریکا، تأکید می‌کند که ایالات متحده باید منافع ملی خود را برای این عصر جدید بازتعریف کند و بهترین راه برای شروع، روشن کردن رابطه بین قدرت آمریکا و قوانینی است که نظم بین‌المللی بر آن استوار است (Nye, 2003:107). این یک دعوت برای بازنگری در نظم بین‌المللی در نتیجه انقلاب ارتباطات همزمان است.

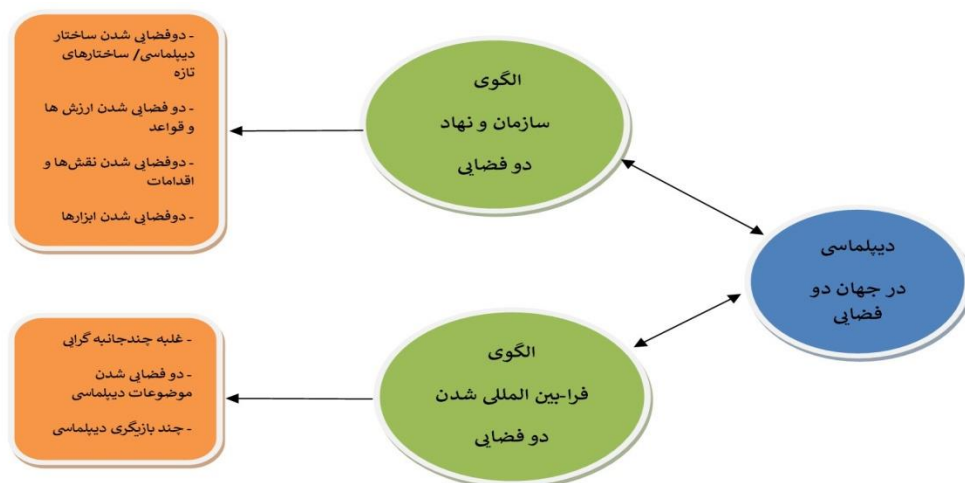
روزنا (۱۹۹۰)، این دوره را عصری کاملاً جدید می‌نامد، "عصر فرابین‌المللی شدن" و تغییر از نظم صنعتی به نظم فراصنعتی، که با تحولات فن‌آورانه مرتبط با فرآیند جهانی شدن و انقلاب میکروالکترونیک سروکار دارد (Rosenau, 1990:6). روزنا (۲۰۰۳) از دو روند تداوم و تغییر در دو دنیای قدیم و جدید بحث می‌کند که در آن شرایط دنیای جدید مشابه دنیای مجازی و ویژگی‌های دنیای قدیم مشابه دنیای واقعی است. وی جهانی را روایت می‌کند که با دوشاخه شدن ساختارهای جهانی، تکثیر بازیگران، انقلاب‌های فن‌آورانه، جهانی شدن، وابستگی متقابل، و تضعیف اقتدار دولت، از جهان قدیم متمایز می‌شود (Rosenau, 2003:xi).

جانسون و هال (۲۰۰۵) مفهوم دوگانه "نهاد" و "سازمان" را برای بررسی دیپلماسی مطرح کرده‌اند؛ تا بین "اقدام دیپلماتیک" و "ساختار دیپلماسی" تمایز قائل شوند. سازمان‌ها در زمان و مکان قرار دارند، یا در زمان و مکان واقعی و یا اخیراً در فضای مجازی، نظیر سفارت مجازی. نهاد در باره "هنجارها"، "قواعد" و "نقش‌ها" در ارتباط بین‌المللی است، چارچوبی از کلیت‌های مشترک که حتی قبل از تأسیس سازمان دیپلماسی جریان داشته و اقدام قابل پیش‌بینی بین

کارگزاران دیپلماسی را حتی در غیاب چارچوب‌های سازمانی، نظیر وزارت خارجه تسهیل می‌کنند. دیپلماسی به‌عنوان یک نهاد، سابقه‌ای طولانی دارد و مجموعه نسبتاً پایداری از کارکردهای اجتماعی و نقش‌های قابل تشخیص است، همراه با هنجارها و مجموعه‌ای از قواعد که رفتار مناسب را تعریف می‌کند. دیپلماسی به‌عنوان یک سازمان دارای منشأ جدیدتری است که به قرن هفدهم بر می‌گردد و دارای مکان فیزیکی یا مجازی، دفاتر فیزیکی یا مجازی، پرسنل، تجهیزات و بودجه است (Jonsson & Hall, 2005:27).

بنابراین، با هدف ایجاد یک چارچوب جامع برای پاسخ به نیازهای گسترده این تحقیق پیچیده، یک سیستم تحلیل دوگانه بر اساس معرفی پارادایم دو فضایی شدن به نظریه سازمان و نهاد، از یک سو و نظریه فرا بین‌المللی شدن، از سوی دیگر ایجاد و مشخصات دیپلماسی دو فضایی در هر کانال به طور مجزا بررسی گردید.

شکل ۱- دیپلماسی دو فضایی



منبع: نویسندگان

روش‌شناسی ترکیبی

روش پژوهش ترکیبی در مطالعات روابط بین‌الملل رایج است و در زیر این چتر، ابزارهای متنوعی از جمله تحلیل تطبیقی، مطالعه موردی مقایسه‌ای و تفسیر و تحلیل وجود دارد (Collier & Elman, 2008:780). روش‌های ترکیبی متنوع بوده و در مقابل پژوهش با یک

روش، خطای کمتری داشته و گاهی منجر به تولید یک مفهوم جدید می شوند (عاملی، ۱۳۹۲:۱۹۵). در این میان، "روش تحلیل تاریخی تطبیقی" از پرکاربردترین رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی مدرن (Skocpol, 2003:424) و یک روش مناسب برای توضیح روند تغییرات در دیپلماسی در نتیجه ظهور فضای مجازی است. شوت (۲۰۰۶) برای این روش چند فیلتر را معرفی کرد: الف. رهیافت علی و معلولی؛ ب. استفاده از چارچوب تطبیقی تاریخی؛ ج. تجزیه و تحلیل توالی زمانی و/یا وابستگی مسیر (Schutt, 2006:18). توالی زمانی در این پژوهش، الگوی مورد استفاده برای سنجش ارتباط بین تحول در فنآوری ارتباطات و تحول در دیپلماسی است.

در این میان، روش اسنادی به بررسی طیف وسیعی از فعالیتها، اسناد و متون به منظور مطالعه تحول در نهادها و سازمانها در نتیجه تحولات طبیعی یا فن‌آورانه کمک می‌کند (Larson, 2017:15). در این مطالعه، طیف وسیعی از منابع آرشیوی از جمله اسناد سازمانی، یادداشت‌های اداری، اطلاعیه‌ها، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها در رسانه‌های اجتماعی و خاطرات، جمع‌آوری، مطالعه و با الگوی تحلیل انتقادی، در یک الگوی سه وجهی شامل فضای واقعی، فضای مجازی و محیط ترکیبی دو فضایی مطالعه و تحولات در دیپلماسی آمریکا به شکل موردی بررسی گردید.

۱. فضا، مکان و فضای ارتباطات همزمان

بحث در مورد مفهوم فضا، مکان و سایر مفاهیم مرتبط مانند زمینه و محیط قدیمی و در میان متفکران یونان و روم باستان رواج داشته است (عاملی، ۱۳۸۹:۲) و فضا همواره بخشی از مباحث در ریاضیات، فیزیک، اقتصاد، جرم‌شناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی بوده است. در روابط بین‌الملل نیز مفاهیمی مانند قلمرو و سرزمین به‌عنوان جغرافیای دولت-ملت مورد توجه قرار گرفته، اما نقش فضا در دیپلماسی مطالعه نشده است. به طوری که از نظر افلاطون، فضا یک واسطه‌ی محض است که در آن اشیاء حضور دارند و فرآیندها در آن رخ می‌دهند. فضا فاقد ویژگی خاصی است و در همه شرایط طبیعت یکسانی دارد، مثل یک «ماتریس» همه چیز را دریافت می‌کند، اما هیچ یک از ویژگی‌هایش را به چیزهای درون خود نمی‌دهد (Duncan & Bradie, 1982:45). ارسطو نیز نظریه "مکان" را معرفی کرد که در آن فضا مجموع همه مکان‌ها است (Norberg-Schulz, 1971:50) و شش جهت دارد. بالا، پایین، راست، چپ،

جلو و عقب. اجسام در این جهات در یک مکان سه بعدی در حال حرکت هستند. ارسطو توجه زیادی به واژه «در» کرد. منظور وی چیزی شبیه "بودن در یک مکان" است. مکان به طور ساده ظرف یا قالبی است که افراد در آن زندگی، تجربه و فعالیت می‌کنند. این ظرف، فضای جهان را شکل می‌دهد و مکان در واقع فضا به‌اضافه‌ی معناست (Harrison & Dourish, 1996:67).

لاکوف و جانسون (۱۹۹۹) این مفهوم ارسطویی را برای بحث در مورد مسئله فضا در دنیای مجازی مورد استفاده قرار داده و استدلال می‌کنند که در دنیای مجازی، فضا یک محیط سه بعدی است که در "ظرف" و "مکان" وجود دارد، در واقع "ظرف" همان فضاست. در فضا / مکان مجازی، اشیاء دست کاری می‌شوند و فعالیت‌ها رخ می‌دهد. محدوده‌ها و مرزها در فضا / مکان مجازی ماهیت "مفهومی" و در نتیجه "ذهنی" دارند و نه فیزیکی. تحولات، تجارب و فعالیت‌ها در این فضای مفهومی از طریق حواس درک می‌شوند و این "فضای شناختی" را در ذهن می‌سازد (Lakoff & Johnson, 1999:50).

واژه "مجازی" از ترجمه واژه فرانسوی "virtualis" به معنای "بالقوه"، "ممکن" گرفته شده است (Qvortrup, 2002:15). مفاهیم "جهان‌های مجازی" و "فضای مجازی" به قدمت خود مفهوم فضا هستند و اولین بار توسط فیلسوف رومی "پلینی" برای بحث در مورد "ادراکات" و "توهمات" مورد بحث قرار گرفتند (Conde & Macknik, 2010:67). "فضای مجازی" در رویکرد تازه به آن پس از انقلاب ارتباطات به‌ندرت توسط دانشمندان علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته و عمدتاً در اصطلاح فنی آن و در توسعه فن‌آوری ارتباطات و ابزارهای دیجیتال به‌کار می‌رود.

در دنیای امروز نیز اینترنت شکل جدیدی از درک از فضاست، یعنی مکانی مفهومی، بی‌نهایت و در عین حال کوچک. از یک طرف تقریباً بی‌نهایت اما این بی‌نهایت به شدت کوچک و فشرده می‌شود و همه چیز در دسترس است، هم زمان، بی‌نهایت گسترش می‌یابد، ظرفیت برای تعاملات و دریافت اطلاعات بی‌نهایت وجود دارد و این ظرفیت به‌طور تصاعدی رشد می‌کند. بنابراین، فضای مجازی پست مدرن تا حد زیادی یک فن‌آوری مبتنی بر کامپیوتر-اینترنت است که دنیایی شبیه‌سازی شده و سه بعدی را ایجاد می‌کند که کاربر می‌تواند آن را کشف کند و تغییر دهد، در حالی که احساس می‌کند خودش داخل آن جهان است.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، در طول جنگ سرد، وزارت دفاع ایالات متحده نگران از آسیب‌پذیری شبکه کامپیوتری‌اش در برابر حمله هسته‌ای، تصمیم گرفت تا کل این سیستم را با ایجاد یک شبکه پیوسته از شبکه‌های کامپیوتری، غیرمتمرکز کند (Weimann, 1999:12). سیستم توسعه

یافته توسط پنتاگون "آرپانت" ARPANET نام گرفت. هم زمان، شرکت‌های خصوصی نرم-افزاری را توسعه دادند که به رایانه‌ها اجازه می‌داد به یک شبکه محلی از کامپیوترها (LANS) متصل شوند. به این ترتیب اینترنت متولد شد. اکنون که تقریباً همه ساکنان زمین می‌توانند به اینترنت دسترسی داشته باشند، ساختار پست مدرن جهان / فضای دوم با تقریباً پنج میلیارد جمعیت / کاربر از طریق بزرگراه اطلاعاتی شکل گرفته است.

۱.۲. دیپلماسی و فن‌آوری ارتباطات: توالی تاریخی

دیپلماسی را می‌توان کانال رسمی ارتباط تعریف کرد که توسط اعضای دولت‌ها استفاده می‌شود (Meinecke, 1998:14). کیسینجر (۱۹۹۴) دیپلماسی را بر اساس مفهوم قدرت و به-عنوان "توازن قدرت بین نیروهای جنگ و صلح" تعریف می‌کند (Kissinger, 1994:10). به‌نظر "کار" و "وایزمن" (۲۰۱۷) هدف دیپلماسی تقویت دولت ملت یا سازمانی است که دیپلماسی در خدمت تنظیم رابطه آن با دیگران و پیشبرد منافع آن است. در نظام مدرن جهانی، این خصوصیت‌ها عمدتاً در شبکه‌ای از دیپلمات‌ها و کنسول‌ها یافت می‌شوند که از حمایت قانونی ویژه برخوردارند (Kerr & Weisman, 2017:20).

لذا در نتیجه تحول دیجیتال، دیگر نمی‌توان دیپلماسی را تنها "روابط بین دولت‌های مستقل از طریق نمایندگان معتبر" تعریف کرد (James, 1970:24). هیلاری کلینتون (۲۰۰۹) مفهوم "دیپلماسی هوشمند" را معرفی کرد که از ترکیب فن‌آوری‌های جدید و مشارکت عمومی و خصوصی در دیپلماسی شکل می‌گیرد (Clinton, 2009:4). یک تعریف تازه و جامع با توجه به مؤلفه‌های جدید دیپلماسی نیاز است، سیستمی از بازیگران متعدد با استفاده از ابزارها و روش‌های ترکیبی، در باره موضوعات دوجانبه یا بین‌المللی، در دو فضای واقعیت و مجاز.

فن‌آوری همواره با تحول دیپلماسی ارتباط تنگاتنگی داشته است. از اختراع زبان توسط بشر اولیه که امکان تعامل صلح‌آمیزتر بین افراد را تسهیل کرد، تا اختراع خط که امکان تبادل پیام بین دولت‌های باستان را فراهم نمود، تا دستگاه چاپ گوتنبرگ، مورس، تلگراف، تلفن، رادیو و تلویزیون و نهایتاً اینترنت، هر تحول در فن‌آوری ارتباطات، دیپلماسی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی را دچار تغییر کرده است. در اروپا، بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۴۹۴ میلادی، تنها زمانی که اولین دستگاه چاپ ساخته شد، دیپلماسی رنسانس در میان دولت‌شهرهای ایتالیا توسعه یافت. شکل اولیه مطبوعات چاپی به دولت‌شهرها کمک کرد با مردم ارتباط مستقیم برقرار

کنند (Baldy, 2021: 35). قرن نوزدهم نیز عصر طلایی دیپلماسی و عصر پیشرفت‌های بزرگ در فن‌آوری ارتباطات بود. مورس و تلگراف سرنوشت دیپلماسی را متحول کردند (Pamment, 2014: 12) و این شروع تاریخ دیپلماسی مدرن با تأسیس سفارتخانه‌ها و وزارت خارجه است (Solymar, 1999: 76).

فن‌آوری تلفن نیز در ابتدای قرن بیستم، ارتباط مستقیم و فوری بین سران کشورها را ممکن ساخت و نقش سفرا را از حاملان پیام‌های محرمانه به ماموران تنظیم روابط دوجانبه تغییر داد. هم‌زمان فن‌آوری رادیو امکان تعامل نهادهای سیاسی با مردم را فراهم و باعث ترویج تفکر دیپلماسی عمومی شد. با فن‌آوری تلویزیون، یک "باشگاه عمومی جهانی" و یک سامانه مؤثرتر برای دستیابی به افکار عمومی جهان ایجاد گردید. تلویزیون جهانی سیاست بین‌الملل را متحول و پارادایم‌های جدیدی از «دیپلماسی تلویزیونی» پدید آورد (Gilboa, 2001: 3). شبکه‌های تلویزیونی تحت عنوان "مسئولیت بشردوستانه" فرآیند تصمیم‌گیری در باره جنگ و دیپلماسی را تغییر دادند. بعدها تلویزیون نیز با ایجاد منبع اطلاعاتی فوری برای سیاست‌گذاران، نقش رصد اخبار توسط دیپلمات‌ها را به چالش کشید و هم‌زمان با ایجاد مفهوم افکار عمومی جهانی، آن‌را وارد فرآیند دیپلماتیک کرد، دیپلماسی رسانه‌ای شکل گرفت و دیپلمات‌ها و رهبران سیاسی از تلویزیون برای ارسال پیام‌های دیپلماتیک استفاده کردند. نهایت این‌که توسعه اینترنت، بازیگران و موضوعات دیپلماسی را افزایش داد و آن‌را برای مردم شفاف‌تر کرد (Hocking & Melissen, 2015: 26). دیجیتالی‌شدن، ابزارهای جدیدی در اختیار دیپلماسی گذارد، هزینه دیپلماسی را کاهش داد و دیپلماسی چندجانبه را تقویت نمود (Ross, 2011: 452). زیرشاخه‌های جدید نظیر؛ دیپلماسی دیجیتال، دیپلماسی الکترونیک، دیپلماسی سایبری، توئیپلماسی، و "دیپلماسی عمومی دو" نتیجه این تحول هستند.

۲. دیپلماسی دو فضایی

۲.۱. تحول در سطح مفاهیم دیپلماتیک

سه مفهوم قدرت، حاکمیت ملی و منافع ملی، از مفاهیم اصلی در دیپلماسی و راهنمای برنامه ریزی دیپلماتیک است. هر سه مفهوم اکنون دارای یک شاخه مجازی هستند: قدرت مجازی، حاکمیت مجازی، و منافع مجازی. هر چند جوزف نای با نظریه مشهور قدرت هوشمند، ترکیب قدرت در دو فضای واقعی و مجازی را پیشنهاد کرد اما مشخصات حاکمیت مجازی و

منافع مجازی به اندازه قدرت مجازی و نرم مورد توجه قرار نگرفته و الگوی دو فضایی از حاکمیت هوشمند و منافع هوشمند ارائه نگردیده است. می توان نشانه های دو فضایی شدن با ترکیب حاکمیت های ملی در فضای واقعی با حاکمیت مجازی در فضای اینترنت و ترکیب منافع ملی در فضای واقعی با منافع ملی مجازی در اینترنت را مشاهده نمود و الگوی حاکمیت هوشمند و منافع ملی هوشمند را به عنوان هدایت کننده دستور کار دیپلماسی پسا مدرن پیشنهاد کرد.

قدرت یک مؤلفه تعیین کننده برای موفقیت دیپلماسی است و همزمان دیپلماسی به ساخت قدرت ملی کمک می کند. دیپلماسی اساساً شامل ارزیابی مستمر قدرت بالقوه کشور در مقایسه با سایر کشورها برای دستیابی به منافع ملی است (Fendrick, 2014: 190). مورگنتاو (۱۹۸۶) معتقد است: "از همه عواملی که قدرت یک ملت را می سازد، مهم ترین و البته بی ثبات ترین عنصر، کیفیت دیپلماسی آن است. تمام عوامل دیگر قدرت ملی، مواد خام قدرت یک ملت هستند. دیپلماسی آن عوامل مختلف را در یک کل یکپارچه ترکیب، به آنها جهت و وزن می دهد و ظرفیت های نهفته آنها را آشکار می کند" (Morgenthau, 1986: 5).

امروز، انقلاب دیجیتال قدرت را متکثر، مسطح، داده ای و نرم کرده است. قدرت اطلاعات و "داده های کلان" تنها از طریق فضای مجازی و تنها با مشارکت گروه بزرگی از بازیگران در مقیاس جهانی، قابل گردآوری است. این داده ها با ارزش ترین کالای فضای مجازی هستند و قدرت آنها به دلیل ظرفیت پیش بینی و شکل دادن بالقوه به الگوهای رفتاری دولت ها، شرکت ها و افراد است (Craig, 2017: 2).

لذا قدرت مجازی به دلیل ماهیت متکثر و مسطح بودن آن، ناشی از میلیاردها کاربر جهانی در فضای اینترنت، بر اساس قاعده نفوذ در قلوب و اذهان عمل می کند و چنین نفودی نیازمند کسب احترام عمومی است. وظیفه دیپلمات ها تلاش برای یافتن بهترین مکان برای معرفی بهتر ملت خود و انتشار حداکثری پیام در فضای مجازی است. پیشبرد این اهداف نیازمند مهارت های جدید دیپلماتیک، ساختار و تجهیزات جدید، و تقویت تخصص تحلیل داده میان دیپلمات هاست (Bjola, 2018: 2). وزارت خارجه آمریکا "شورای داده سازمانی" را به منظور ترویج دانش مدیریت داده و بهره مندی از آن تأسیس کرده است.

ماهیت قدرت مجازی مبتنی بر داده است. در سال ۲۰۰۰ تنها ۲۵٪ از اطلاعات ذخیره شده جهان به صورت دیجیتال بود، تا سال ۲۰۱۴، این رقم به حدود ۹۸٪ افزایش یافت (Hocking &

(Melissen, 2015: 26). پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ حجم داده‌های جهانی به ۱۶۳ زتابایت (یک تریلیون گیگابایت) افزایش یابد که ده برابر داده تولید شده در سال ۲۰۱۶ است. این روند عظیم تولید داده، رقابت بین بازیگران از جمله دیپلمات‌ها برای رصد اطلاعات دقیق را افزایش می‌دهد. یافتن اطلاعات دقیق از میان انبوهی از اطلاعات منتشره در فضای مجازی، یک تخصص جدید و قدرت آفرین است که با استفاده از الگوریتم‌های تحلیل داده قابل دستیابی است.

در این خصوص، نای (۲۰۱۲) با اشاره ضمنی به دو فضایی شدن قدرت، استدلال می‌کند که قدرت جدید یک رژیم ترکیبی انحصاری از ویژگی‌های فیزیکی (زیرساخت‌ها، منابع، قوانین و صلاحیت‌های حقوقی) با ویژگی‌های مجازی است که کنترل دولت بر فضای مجازی را دشوار می‌کند. حملات کم‌هزینه از فضای مجازی می‌تواند تأثیرات و هزینه بالایی بر لایه فیزیکی تحمیل واز سوی دیگر کنترل لایه فیزیکی، عمدتاً توسط آمریکا، می‌تواند تأثیرات سرزمینی و فراسرزمینی بر روی لایه مجازی جهانی داشته باشد (Nye, 2012: 22). لذا، این یک مزیت برای دیپلماسی آمریکا تلقی شده و وزارت خارجه آمریکا توسط کنگره مامور به تغییر ساختار و تقویت حضور و سلطه بر این فضا گردیده است (US Congress Report, 1999: 2).

همچنین مفهوم "حاکمیت ملی غیرقابل تفکیک کشورها" نیز در نتیجه انقلاب دیجیتال متحول شده است. مرزهای جغرافیایی، نماد حاکمیت دولت‌ها، کم اهمیت و حق حاکمیت برابر کشورها، اصل محوری نظام بین الملل، مورد بی‌توجهی است (Lee, 2004: 147) و در فضای مجازی دائماً نقض می‌شود. اجرای دیپلماسی که همواره نماینده کشورها و تنها مرجع حاکمیتی در یک قلمرو جغرافیایی بوده، در قلمرو مجازی که دولت‌ها ابزار کمی برای اعمال حاکمیت دارند، مبهم باقی مانده است. مفهوم حاکمیت دیجیتال با داده‌ای شدن قدرت ارتباط دارد و زمانی پدیدار شد که شرکت‌های فن‌آوری آمریکا حجم عظیمی از داده‌های شخصی کاربران جهانی را با اهداف تجاری جمع‌آوری کردند. رفتار تجاری گوگل؛ اپل؛ فیسبوک؛ آمازون و مایکروسافت، تا حد زیادی مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات کاربران در جهان است. چنین روندی حاکمیت دولت‌ها در فضای مجازی را تهدید و یک ناترازی بین حاکمیت واقعی و حاکمیت مجازی دولت‌ها در جهان دو فضایی ایجاد می‌نماید، هم‌چنان که رفتار سلطه جویانه و امپریالیسم مجازی آمریکا ناشی از مزیت فن‌آورانه آن کشور در فضای مجازی و ایده آلیسم "رهبری اینترنت آزاد جهانی" (Clinton, 2010: 4)، منجر به نقض "حاکمیت مجازی" کشورها و ایجاد وضعیت نه صلح نه جنگ دائمی در این فضا شده است (Kissinger, 2014: 345). لذا

مفهوم حاکمیت در عصر دیجیتال دچار چالش مشروعیت شده و برخی محققان آن را یک موضوع مورد توافق ندانسته و پسامدرنیسم را با مفهوم "پسا-حاکمیت ملی" معادل می‌پندارند (Leijssenaar & Walker, 2019:1).

سرانجام، در نتیجه تحول دیجیتال، مفهوم بنیادی "منافع ملی" که قرن‌ها سیاست خارجی کشورها را هدایت و جزء اساسی دستور کار دیپلماتیک می‌باشد، دوگانه شده است. داده‌ای شدن قدرت و تکثر بازیگران در دیپلماسی سبب شده مدیریت داده‌های جهانی و نفوذ در اذهان و قلوب به عنوان بخشی مهم از منافع مطرح شود (Kissinger, 2014:345). بنابراین، وظیفه جدید دیپلماسی، رصد و تحلیل داده‌های عظیم در شبکه‌های اجتماعی، طراحی اقماعی‌ترین گفتمان و یافتن بهترین مکان برای عرضه دیدگاه‌های کشور است. نگرانی در مورد تصویر ملی، از دغدغه‌های تازه دیپلمات‌هاست. احترام و اعتبار بین‌المللی خوب، یک کالای جدید ملی است که بر احساس سرمایه‌گذاران، گردشگران و افکار عمومی جهانی و بر تصمیم‌مداران تأثیر می‌گذارد. منافع ملی در دو محور تحت تأثیر فضای مجازی قرار گرفته است؛ شکاف مجازی-واقعی در مؤلفه‌های منافع ملی، و تولد مفهوم ترکیبی "منافع جهانی-ملی".

لذا، نای (۲۰۱۲) در معرفی مفهوم منافع جهانی-ملی، تأکید می‌کند که آمریکا باید منافع ملی خود را برای عصر اطلاعات جهانی بازتعریف و برای این کار به رابطه بین قدرتش و قوانین بین‌المللی توجه کند. وی پیشنهاد می‌کند منافع ملی آمریکا با منافع جهانی ترکیب گردد؛ تا سایرین کمتر با آن‌ها مخالفت کنند. از این‌رو آمریکا باید جنگ‌ها و مداخلات امپریالیستی خود را به‌عنوان مداخله بشردوستانه و بخشی از منافع جهانی معرفی کند. کشورهایی که نتوانند منافع خود را با این منافع جهانی هماهنگ نمایند، دچار مشکل خواهند شد (Nye, 2012:23).

۲.۲. نهاد دیپلماسی

نهاد دیپلماسی، تاریخی فراتر از سازمان دیپلماسی مدرن دارد و سه رکن آن شامل هنجارها؛ قواعد و نقش‌ها؛ تحت تأثیر عوامل محیطی از جمله تحول در فن‌آوری ارتباطات در حال تغییر بوده‌اند. هنجارهای دیپلماتیک، نماینده آداب و رسومی هستند که قواعد رفتار را تعیین می‌کنند، از هویت ملی سرچشمه گرفته و اهداف بلندمدت یک ملت را شکل می‌دهند و لذا بخش باثبات‌تر دیپلماسی هستند. قواعد دیپلماتیک، اصول مشخص‌تری در قیاس با هنجارها هستند که رفتار مناسب در شرایط خاص را تجویز می‌کنند و معمولاً دقیق، رسمی و

معتبرند. نقش‌های دیپلماتیک، اقدامات عادی و روزانه دیپلمات‌ها برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های دیپلماسی هستند.

۲.۲.۱. **هنجارهای دیپلماسی:** هنجارهای دیپلماسی را می‌توان به دو دسته هنجارهای جهان‌شمول و هنجارهای ملی دسته‌بندی کرد. در این جا، یک هنجار جهان‌شمول و دو هنجار از هنجارهای اختصاصی دیپلماسی آمریکا مورد بررسی قرار گرفته تا اثر دو فضایی شدن بر آن‌ها نشان داده شود. دیپلماسی به‌طور تاریخی با پنهان‌کاری، رازداری و محرمانه بودن هم‌زاد بوده و پنهان‌سازی اطلاعات از سایر دولت‌ها، رسانه‌ها و افکار عمومی در تار و پود دیپلماسی تنیده شده است. دیپلمات‌ها با این اعتقاد که اشتراک‌گذاری اسرار با سایرین یک اشتباه مطلق و غیر اخلاقی است و مشکلات امنیتی را بیشتر می‌کند، تاکنون اغلب خارج از نظارت عمومی عمل می‌کرده‌اند (Holmes, 2015:708).

امروزه اینترنت با امکان‌پذیر کردن مداخله افکار عمومی در تصمیم‌گیری سیاسی و ورود بازیگران متعدد به عرصه دیپلماسی، رویکرد سنتی به دیپلماسی مخفی یا آرام را تحت تأثیر قرار داده و ادامه رازداری دیپلماتیک را دشوار کرده است (Maley, 2016:451). با افزایش اهمیت حمایت عمومی، بخش‌هایی از گفت‌وگوهای دیپلماتیک با مردم به اشتراک گذاشته می‌شود. چند بازیگری شدن دیپلماسی از عواملی است که برای شفافیت بیشتر و پنهان‌کاری کمتر فشار می‌آورد.

در دیپلماسی آمریکا، دو هنجار "استثناگرایی" و "سلطه‌طلبی"، برجسته است. هنگامی که مقامات و نخبگان آمریکایی، آن کشور را "امپراتوری آزادی" و "رهبر جهان آزاد" معرفی می‌کردند، هم‌زمان هنجارهای رفتار دیپلماتیک آن‌را نیز تدوین می‌کردند (Walt, 2011:2). تقریباً همه روسای جمهور آمریکا تأکید کرده‌اند که ارزش‌ها، نظام سیاسی و تاریخ آمریکا منحصر به فرد و شایسته تحسین و تطبیق جهانی است. توماس جفرسون تصور می‌کرد آمریکا در حال تبدیل شدن به "امپراتوری بزرگ آزادی" است، الگوی دموکراسی و حقوق بشر و چراغی برای جهان: "که باید در مناطق دیگر زمین روشن شود" (Jeferson, Archive, 2018). استثناگرایی از هنجارهای اصلی دیپلماسی آمریکاست که رفتار و جهت آن را هدایت می‌کند (Cohen, 1990:10). آمریکا به‌عنوان یک تجربه استثنایی بشر، باید در خدمت هدف بزرگتر، "مانیفست جدید سرنوشت" باشد و بایستی شیوه‌های دیپلماتیک آن نیز متفاوت باشد

(Jönsson & Hall:2005:27). مادلین آلبرایت (۱۹۹۸) گفت: "اگر مجبوریم از زور استفاده کنیم، از آن روست که ما آمریکا هستیم، یک ملت غیر قابل جایگزین. ما از بقیه کشورها بالاتریم و آینده را بهتر می‌بینیم" (Albright,1998:2)

این حس استثنایی بودن، تحت تأثیر انقلاب دیجیتال که آمریکا توسعه دهنده و مالک بخش عمده آن بود، تقویت و نسخه "استثناگرایی مجازی" را ایجاد کرده است. طرفداران استثناگرایی مجازی استدلال می‌کنند که آمریکا بایستی یک حرکت دسته‌جمعی به سمت توسعه "رژیم‌های حاکمیت مجازی جهانی" را رهبری کند و هنجارهای "جهان مجازی پایدار و امن" را آموزش دهد (Kiggins,2014:160). هیلاری کلینتون نیز گفته است: "ایالات متحده فقط به وجود یک اینترنت در سراسر جهان اعتقاد دارد، نه چیزی دسته‌جمعی ... در مبارزه برای آزادی و پیشرفت، ... ما طرفدار یک اینترنت واحد هستیم، تحت رهبری آمریکا» (Clinton,20210). نتیجه این رویکرد، یک استثناگرایی ترکیبی است که رفتار و برنامه‌های دیپلماسی آمریکا در دو فضای واقعی و مجازی را هدایت می‌کند. این استثناگرایی هیبریدی زمانی که آمریکا از دکتترین اینترنت آزاد جهانی برای حمایت از شورش‌های خیابانی در فضای مجازی-واقعی استفاده کرد، روشن‌تر شد.

در کنار استثناگرایی، "سلطه‌جویی" نیز شخصیت دیپلماتیک آمریکا را شکل داده و تقریباً از سال ۱۹۵۰ منطبق غالب آن بوده است (Onuf,2011:11). نظریه ثبات هژمونیک که منطق تفکر آمریکایی معروف به "صلح آمریکایی" در مورد هژمونی را تئوریزه کرده، چنین فرض می‌کند که صلح و رفاه جهانی زمانی محتمل‌تر است که سلسله مراتب مشخصی از دولت‌ها و یک رهبر بلامنازع وجود داشته باشد (Otlay,2016:60). لذا رفتار آمریکا در جنگ جهانی دوم انعکاس منطق هژمونیسیم بود. پس از جنگ، آمریکا به دنبال ایجاد نظام‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی مؤثر زیر نظر خود رفت و این منطق بر دیپلماسی آن در دوران جنگ سرد تأثیر گذاشت. در اواسط دهه ۱۹۸۰، دولت ریگان یک سیاست خارجی هیبریدی بر اساس دو منطق متمایز را مطرح کرد: هژمونیسیم و لیبرالیسم و تلاش دیپلماتیک با هدف سرنگونی دولت‌های کمونیستی. جورج بوش (۱۹۸۹-۱۹۹۳) مفهومی از نظم نوین جهانی را بیان کرد که در آن نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل در ایجاد و اجرای آن پشت سر رهبری آمریکا قرار داشتند (Callahan,2003:21-26).

1. Pax Americana

در فضای مجازی، آمریکا مزیت فن آورانه خود را تبدیل به ابزار اعمال "هژمونی مجازی" و اعمال سلطه یا مداخله در سایر کشورها، منع دسترسی رهبران سیاسی و فعالان فضای مجازی مخالف آمریکا به اینترنت و سکوه‌های اجتماعی کرده است. این الگو، منطق رفتار هژمونیک دیپلماسی مجازی آمریکا را هدایت می‌کند (Bisvas & Goel, 2018:2). آمریکا به‌عنوان بزرگترین قطب اینترنت جهانی با پهنای باند ۲۰.۶ ترابیت بر ثانیه که بیشتر ترافیک اینترنت جهان از آن هدایت می‌شود، تقریباً انحصار اینترنت جهانی را در اختیار دارد. این انحصار، به دولت آمریکا قدرت نظارت بر تمام داده‌های مجازی جهان را می‌دهد. آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) سرمایه‌گذاری عظیمی روی اعمال سلطه مجازی کرده و گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین سیستم نظارت اینترنتی را ایجاد کرده که تقریباً همه کاربران اینترنت جهان را پوشش می‌دهد. از طریق دو برنامه Upstream و X-Keyscore، این آژانس قادر است تقریباً هر فعالیت یک کاربر اینترنت در جهان، از جمله ایمیل‌ها، چت‌ها، ذخیره‌سازی ابری و تاریخچه جست‌وجو را جمع کند. بر اساس اطلاعات افشا شده توسط ادوارد اسنودن، پیمانکار سابق این آژانس، در سال ۲۰۱۲، در یک دوره ۳۰ روزه حداقل ۴۱ میلیارد رکورد در X-Keyscore جمع شده است (Greenwald, 2013).

در این خصوص، نای (۲۰۱۱) معتقد است آمریکا به‌دلیل قدرت نرم خود هنوز فرصت دارد به‌عنوان هژمون جهانی در فضای مجازی عمل کند. احتمالاً می‌توان انتظار نسخه جدیدی از هژمونیسیم هیبریدی در دیپلماسی آمریکا داشت. در همین رابطه، آمریکا از مخالفان تلاش‌های دیپلماتیک کشورها در سازمان ملل برای تنظیم رفتار دولت‌ها در فضای مجازی است (Lewis, 2013:2) در اجلاس سران اتحادیه جهانی مخابرات ۲۰۱۲، آمریکا با بحث در مورد هر شکلی از حاکمیت بین‌المللی بر اینترنت مخالفت کرد (Fidler, 2013:2).

۲.۲.۲. قواعد دیپلماتیک: نظریه واحدی در باره قواعد حاکم بر رفتار دیپلماتیک وجود ندارد اما "اقدام متقابل" و "مصونیت" به‌عنوان قواعد جهان‌شمول مورد اتفاق هستند. هم‌زمان هر کشور بر اساس میزان قدرت و شرایط خود، قواعد اختصاصی برای دیپلماسی خود دارد. "عمل-گرائی"، "ایدئولوژی"، و "اتحاد سازی"، سه قاعده مهم حاکم بر دیپلماسی آمریکاست. قاعده اقدام متقابل و مصونیت، توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند (Paris & GHei, 2003:93). اصل اقدام متقابل و بده بستان، قدیمی‌ترین و احتمالاً مؤثرترین قاعده حقوق

دیپلماتیک است که عدم رعایت آن می‌تواند منجر به تلافی و در نهایت انزوا شود (Hamilton & Richard, 2011: 215). این اصل در جهانی که هیچ مرجعی، به جز قدرت، برای اجبار دولت‌ها به اجرای توافقات نیست، اهمیت اساسی دارد و تحت تأثیر دو مؤلفه قدرت و همکاری، عمل می‌کند (Cambridge Univ. 2009)، هر چند شرایط تقریباً انحصاری قدرت آمریکا در فضای مجازی، امکان "اقدام متقابل مجازی" کشورها را دشوار کرده است، با این وجود، کشورها راه‌هایی برای اقدام متقابل یافته‌اند و از روش‌هایی مانند هک کردن شبکه‌های حیاتی و اطلاعاتی، در مقابل اقدامات آمریکا برای منع دسترسی و یا حذف حساب‌های کاربری خود، به صورت غیررسمی استفاده کرده‌اند. به این ترتیب، اصل اقدام متقابل در فضای مجازی رایج شده است، هر چند به جز موارد معدودی چون دیدار پوتین - بایدن در سال ۲۰۲۲، در قالب دیپلماتیک دنبال نشده است. می‌توان انتظار داشت که به تدریج الگوهای دیگری از اقدام متقابل ترکیبی، در فضای مجازی و واقعی مد نظر دیپلمات‌ها قرار گیرد.

همچنین "مصونیت" از قواعد، رویه‌ای مهم و پیش‌نیاز روابط پایدار دیپلماتیک است و صرفاً از روی ضرورت و برای انجام وظایف دیپلماتیک پیش‌بینی شده است. مصونیت فعالیت دیپلمات‌ها و یا اماکن و تأسیسات دیپلماتیک در فضای مجازی یک مسئله جدید است. برخی معتقدند جهان به معاهدات جدید برای مصونیت دیپلماتیک در فضای مجازی نیاز دارد، اما آمریکا به‌عنوان قدرت حامی وضع موجود، با هدف جلوگیری از ادامه بحث در باره مصونیت فضای مجازی کشورها، اعلام کرده که اصول جاری حقوق بین‌الملل در فضای مجازی هم اعمال می‌شود (Hongju, 2012: 10). در عمل، مصونیت دیپلماتیک در فضای مجازی اعتبار چندانی ندارد. این شرایط به بازیگران غیردولتی یا دولت‌های قدرتمند در فن‌آوری دیجیتال و شرکت‌های خصوصی اجازه داده است که آزادانه در دارایی‌های دیجیتال و محیط فعالیت مجازی دیپلمات‌ها مداخله یا حاکمیت مجازی سایر کشورها را نقض نمایند، هرچند در محیط واقعی، قاعده مصونیت اجرا گردد. به این ترتیب، هر چند دوفضایی شدن قاعده مصونیت قابل مشاهده است اما آمریکا مهم‌ترین مانع تحقق مصونیت در فضای مجازی است.

به‌طور سنتی، ایجاد اتحاد و یا ائتلاف دیپلماتیک، از معروف‌ترین قواعد دیپلماسی آمریکاست که پس از جنگ جهانی دوم و ایجاد سازمان ناتو، تقویت شد. پیش از آن، آمریکا تمایلی برای ورود به اتحاد با قدرت‌های اروپایی نداشت (Kimball, ND). به نظر کالین پاول، یکی از وظایف اصلی دیپلماسی آمریکا ایجاد ائتلاف‌هایی بر مبنای منافع مشترک است تا قدرت

آنها چند برابر کند (Powell, 2004: 2). البته برای دیپلماسی آمریکا، "اتحاد" اهمیت ابزاری دارد، آن کشور خود را با متحدانش برابر نمی‌داند و برای خود در اتحادهای نقش رهبری قائل است. امروزه، توسعه فضای مجازی تأثیر دوگانه‌ای بر چنین سنتی داشته است. لذا آمریکا در حالی که به یک جانبه‌گرایی در رهبری اینترنت جهانی تمایل دارد، هم‌زمان به سمت شبکه سازی در فضای مجازی و ایجاد شبکه‌های متعدد هم‌فکران در سطح دولتی و غیر دولتی رفته است. اسلاتر (۲۰۱۶)، از مقامات وزارت خارجه آمریکا، با طرح نظریه شبکه سازی، ایجاد شبکه‌هایی از هم‌فکران در فضای مجازی در داخل سازمان‌های بین‌المللی، میان دیپلمات‌ها و فعالان بخش خصوصی را به عنوان ضرورت پیشنهاد کرده است (Slaughter, 2009: 94).

در واقع، طرح دیپلماسی الکترونیک وزارت خارجه آمریکا با هدف "مشارکت دادن افراد بیشتر در کشورهای بیشتر در دیپلماسی آمریکا توسعه یافت. دستگاه دیپلماسی آمریکا توانسته به‌طور مستقیم به مخاطبانی دست یابد که بیشتر از مخاطبان ده روزنامه بزرگ آمریکا هستند و ارتشی از روزنامه نگاران دیپلمات را برای تغذیه بیش از ۶۰۰ حساب خود در سکویهای اجتماعی به کار گیرد (Schwarzenbach, 2015). این نمونه کامل هیبریدی شدن قاعده اتحاد سازی و ترکیب "اتحاد سازی واقعی" و "شبکه سازی مجازی" است.

دیپلماسی آمریکا همچنین از قواعد ایدئولوژیک پیروی می‌کند. نشانه این رویکرد ایدئولوژیک در تلاش صد سال گذشته آن برای منزوی سازی دولت‌هایی بوده که آنها را دشمن ایدئولوژیک می‌داند. شوروی طی سالهای (۱۹۱۷-۱۹۳۳)، چین (۱۹۴۹-۱۹۷۲)، کوبا (۱۹۵۹-۱۹۷۷) و ویتنام (۱۹۷۵-۱۹۹۴) حتی توسط آمریکا به رسمیت شناخته نشدند (شارپ و وایزمن ۲۰۱۲). به گفته کسینجر، هیچ کشوری به اندازه آمریکا در تعقیب منافع خارجی خود ایدئولوژیک نبوده است. (Kissinger, 1994: 17). امروز نیز شعار "آزادی اینترنت جهانی" از همین الگوی ایدئولوژیک و شعار "آزادی بیان" در فضای واقعی پیروی و دو فضایی شدن ایدئولوژیک دیپلماسی آمریکا را برجسته می‌نماید.

با این حال، "عمل‌گرایی"، از قواعد شاخص دیپلماسی آمریکا محسوب می‌شود، در حالی که مذاکره‌کنندگان آمریکایی در قالب فردی ممکن است خوش اخلاق یا زورگو باشند، اما دغدغه همه آنها دستیابی به نتیجه مورد نظر در کوتاه‌ترین زمان است (USIP, 2012). شارپ و وایزمن نیز مشخصه عمل‌گرایی آمریکایی را ترکیب آن از دو سنت لیبرالیسم و واقع‌گرایی می‌دانند که رویکرد مهندسی به مشکلات دیپلماتیک است (Sharp & Wiseman, 2012: 45). نتیجه این که

فضای مجازی با رفع فاصله فیزیکی و زمانی، به دیپلماسی سرعت زیادت و هزینه کمتر داده و به تقویت عمل‌گرایی آمریکایی کمک کرده است. اصل عمل‌گرایی منجر به استفاده از ترکیبی از روش‌های مذاکره دیپلماتیک آنلاین و آفلاین با هدف سرعت بخشیدن به مذاکرات و کاهش هزینه‌ها شده و همچنین استفاده ترکیبی از قدرت و ابزارهای فشار در دو فضای واقعی و مجازی بر دولت‌های رقیب را موجب گردیده است.

۲.۲.۳. نقش‌های دیپلماتیک: نقش‌های سنتی چندگانه‌ای برای دیپلماسی تعریف شده که برای نظم پژوهش در پنج مجموعه خلاصه شده اند: نمایندگی کردن، رصد و گزارش کردن، ارتباطات، مذاکره، صیانت و ترویج منافع ملی. اولین و تاریخی‌ترین وظیفه سفیر، نمایندگی دولت فرستنده نزد کشور پذیرنده است. با گسترش فضای مجازی و افزایش تعداد بازیگران بین‌المللی، این نقش در فضای واقعی تضعیف و احتمالاً نمادین شده است (Stanzel, 2018: 21). هرچند یک لایه مجازی به آن اضافه گردیده است؛ نمایندگی یک دولت نزد افکار عمومی کشور میزبان. سفر در دوران پست مدرن به ایفای نقش نمایندگی در دوفضای واقعی و مجازی می‌پردازند. در سال ۲۰۲۰، ۱۸۹ کشور از طریق حضور رسمی در توییت‌ر نمایندگی شده‌اند (Statistica, 2020).

لذا طیف دوگانه‌ای از نمایندگی‌های مجازی-واقعی در کنار ۲۷۰ سفارت‌خانه و سرکنسول‌گری آمریکا در فضای واقعی، با ۵۴ هزار دیپلمات، ایجاد شده‌اند و اداره رسانه‌های اجتماعی جهانی در وزارت خارجه آمریکا با هدف توسعه این نمایندگی‌ها تأسیس شده است (U.S. Diplomatic List, 2018). علاوه بر مدیریت صفحه خانگی رسمی وزارت خارجه و سفارت‌خانه‌ها، این اداره نمایندگی رسمی مجازی در چندین رسانه اجتماعی مانند توییت‌ر، فیس‌بوک، یوتیوب، فلیکر و اینستاگرام را به عهده دارد و نمایندگان مستقلی به سفارت‌خانه‌های آمریکا در جهان برای مدیریت نمایندگی در رسانه‌های اجتماعی به زبان محلی اعزام می‌کند.

ابتکار "پست‌های حضور مجازی (VPPs)" با ترکیب روش‌های نمایندگی مجازی و واقعی در سطح محلی، اجازه حضور دیپلماتیک در شهرهای خارجی، به‌جز پایتخت‌ها، بدون داشتن ساختمان یا کارکنان دائمی را می‌دهد. آمریکا تاکنون ۴۲ پست حضور مجازی در جهان تأسیس کرده که سفارت مجازی آمریکا در ایران از آن‌هاست. در فضای واقعی هم‌زمان دفاتر کوچکی در یک هتل با یک دیپلمات در مراکز استانی کشور میزبان با نام "پست‌های حضور آمریکایی" (APPs) ایجاد شده که تعداد آنها هشت پست در چهار کشور است. هم‌چنین سه

مرکز منطقه‌ای دیپلماسی عمومی برای مدیریت ارتباط با افکار عمومی در لندن، دبی و بروکسل تأسیس گردیده است.

"رصد اطلاعات" و "گزارش‌دهی" از محیط کشور پذیرنده، دومین نقش تاریخی دیپلماسی است که توسط حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته اما محدود به روش‌های قانونی شده است (Sen, 1965:20). مذاکره دیپلماتیک و اطلاعات با هم حرکت می‌کنند. در فضای واقعی، چالش اصلی دیپلمات‌ها جمع‌آوری اطلاعات و انتقال امن آن بود، اما در نتیجه فراگیری فضای مجازی و نشر هم‌زمان اطلاعات در جهان، چالش اصلی دیپلمات‌ها نه جمع‌آوری و انتقال اخبار، بلکه مدیریت، اعتبارسنجی، و تحلیل داده‌های عظیمی است که به شکل انفجاری در فضای مجازی آشوبناک تولید و منتشر می‌شود. مفهوم قدیمی اطلاعات که کالایی کمیاب و محرمانه در دست معدودی از مقامات قدرتمند بود و باید عمدتاً از طریق شرکت در مراسم دیپلماتیک جمع‌آوری می‌شد، متحول گردید. هر فرد با گوشی هوشمند و دسترسی به اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، یک واحد خبری است. هوش مصنوعی به تدریج نقش‌هایی در پایش محیط شبکه‌ای، تهیه متن پیشنهادی برای سخنرانی‌ها، تحلیل سخنرانی کشورهای هم‌فکر یا مخالف و پیشنهاد ائتلاف بر اساس آن‌ها، و گردآوری داده‌ها برای تحلیل دیپلماتیک پیدا می‌کند. موتورهای جست‌وجو با الگوریتم هوش مصنوعی و ابزارهای هوش مصنوعی با قابلیت یادگیری، به ابزارهای مهم رصد و تحلیل اطلاعات تبدیل و تکنیک‌های پیشرفته داده‌کاوی به کمک دیپلمات‌ها آمده‌اند (Bhatia, 2023).

همچنین، در شرایط دو فضایی شده، رصد اطلاعات محرمانه در محیط واقعی کماکان مرسوم است، اما بخش عمده رصد در محیط مجازی با سرعت بیشتر و هزینه کمتر انجام می‌شود. علی‌رغم مخالفت کنوانسیون وین (۱۹۶۱) با کسب اطلاعات از طریق جاسوسی و غیرقانونی، این رسم فضای واقعی، در فضای مجازی ادامه یافته است. اسناد افشا شده یکی لیکس دستورالعمل‌های متعدد وزارت خارجه آمریکا برای جاسوسی اطلاعاتی توسط دیپلمات‌ها را نشان می‌دهد (Mazetti, 2010). گزارش "راهبرد داده‌های سازمانی" وزارت امور خارجه آمریکا ضمن تأکید بر اهمیت داده‌های مجازی چهار اقدام را معرفی می‌کند؛ پرورش فرهنگ توجه به داده توسط دیپلمات‌ها؛ تسریع تصمیم‌گیری از طریق تحلیل داده‌ها با هوش مصنوعی؛ ایجاد پایگاه مدیریت داده مبتنی بر کشورها؛ و ایجاد حاکمیت داده‌های سازمانی (Gravis, 2021).

در مورد گزارش‌دهی دیپلماتیک، تأثیر فضای مجازی عمیق‌تر بوده است؛ زیرا روش‌های سنتی انتقال گزارش از طریق پست دیپلماتیک تقریباً منسوخ شده‌اند. وزارت خارجه آمریکا دو

ابتکار را برای به‌روزرسانی ابزارهای گزارش‌دهی معرفی کرده است: الف: معرفی "محیط‌های کاری مجازی" با معرفی "سرویس‌های اشتراک ویندوز" (WSS) ویژه دیپلمات‌ها و "مجموعه ابزار بازیابی بایگانی و پیام‌های دولتی" (SMART)، به‌عنوان ابزار ویژه ارتباطات آنلاین دیپلماتیک؛ ب: "شبکه طبقه بندی شده ارسال گزارش"، به‌عنوان مرکز اینترنت و بستر اشتراک گذاری گزارش‌های دیپلماتیک با مقامات آمریکا.

نقش دیگر دیپلماسی، نقش "برقراری ارتباط" است. دیپلماسی اغلب بر اساس ارتباطات تعریف می‌شود، یعنی به‌عنوان "فرایند تنظیم ارتباطات دولت‌ها" یا "نظام ارتباط جامعه بین-المللی" (James, 1980:931). تران (1987) ارتباطات را برای دیپلماسی شبیه خون در بدن می‌داند و می‌گوید: "هرگاه ارتباطات متوقف شود، بدنه سیاست بین‌الملل، فرآیند دیپلماسی، مرده است" (Tran, 1987:8). فضای مجازی به سه طریق بر این نقش تأثیر گذاشته است: تغییر ابزارهای ارتباط؛ تنوع بخشیدن به مخاطبان؛ و دوگانه سازی روش‌های ارتباط. مهم‌ترین تحول، هیبریدی شدن مخاطبان ارتباط دیپلماتیک و ترکیب افکار عمومی و بازیگران غیردولتی با بخشی از مخاطبان سنتی دیپلماسی، رهبران سیاسی، بوده است. دو فضای شدن ارتباط دیپلماتیک، منجر به تحول بنیادین در رویه‌های ارتباطی در سطح سازمانی و نهادی شده و در حالی که ارتباطات دیپلماتیک در هر دو بستر مجازی و واقعی جریان یافته، اما به دلیل الگوهای نوین ارتباط در فضای مجازی، روش‌های دیپلماسی تغییرات اساسی پیدا کرده است.

در این بستر، از جمله تاکتیک‌های جدید دیپلماسی آمریکا، هدف قرار دادن ارتباط با جوانان به‌عنوان مهم‌ترین گروه حاضر در فضای مجازی، کمک و ترویج جوامع کوچک منتقد با نام جوامع مدنی که از طریق فضای مجازی و واقعی مرتبط می‌شوند، استفاده از کمک‌های خیریه به‌عنوان ابزار تماس، تشویق و تحریک تغییرات سیاسی در کشورهای رقیب، می‌باشد. حمایت از توسعه ابزارهای دور زدن محدودیت‌های اینترنت VPN برای کشورهای رقیب، از جمله سیاست‌های رسمی و مداخله جویانه آمریکاست. وزارت خارجه آمریکا همچنین از تکنیک "اتاق پژواک" برای هماهنگی داخلی، اقدام مشترک، و افزایش برد پیام‌های جهانی استفاده و بیانیه‌هایی را در یک شبکه داخلی دیپلماتیک برای ارائه یک پیام واحد در مورد موضوعات کلیدی ارسال می‌نماید تا دستورکار رسانه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. به‌علاوه با ابتکار "آزادسازی سفرا" قانون درخواست اجازه قبلی دیپلمات‌ها برای فعالیت رسانه‌ای لغو شده است.

نقش مذاکراتی، چهارمین نقش مهم دیپلماسی است. مذاکرات دیپلماتیک دولت‌ها، رگ حیات دیپلماسی و هسته اصلی فعالیت دیپلماتیک است (Pigman, 2012:8). منشور ملل متحد، مذاکره را مهم‌ترین ابزار حل و فصل مسالمت آمیز منازعات دولت‌ها می‌داند (UN Charter, 1948). ظهور فضای مجازی با دخالت دادن بازیگران ارشد دولتی یا بازیگران نیمه-دولتی و خصوصی در دیپلماسی تغییرات اساسی در مذاکرات دیپلماتیک ایجاد کرد. نقش دیپلمات‌ها به عنوان مذاکره کننده عمدتاً به نقش مدیریت مذاکرات تخصصی توسط سایر بازیگران تغییر کرده است. فضای مجازی حداقل سه تأثیر مهم بر مذاکرات دیپلماتیک آمریکا داشته است: الف، چند موضوعی ساختن مذاکرات با اضافه کردن دسته‌ای از موضوعات جدید جهانی نظیر تغییرات آب و هوایی، به دستور مذاکرات؛ ب. اثر چند بازیگری؛ دخالت بازیگران نیمه دولتی و غیر دولتی در مذاکرات دیپلماتیک، ناشی از ارزان و شفاف شدن ارتباطات؛ ج. توسعه مذاکرات چندجانبه؛ با توسعه مسائل جهانی، حذف فاصله فیزیکی، و ارزانی ارتباطات جهانی، اهمیت مذاکرات چندجانبه افزوده شد.

فضای مجازی هم‌چنین یک محیط موازی جدید، غیر مکانی، غیر زمانی و کم‌هزینه در اختیار مذاکرات دیپلماتیک قرار داد که بخشی از گفت‌وگوهای دیپلماتیک به آن منتقل شد، کنفرانس‌های الکترونیکی زنده و وبینارهای آنلاین و یا جلسات ترکیبی از حضوری و مجازی، سرعت مذاکرات دیپلماتیک را افزایش دادند. با این حال، مذاکرات دیپلماتیک پشت درهای بسته کماکان به‌عنوان یک اصل ضروری دیپلماسی باقی مانده و هم‌زمان با مذاکرات نسبتاً شفاف، ارزان و فوری در فضای مجازی از طریق دیپلماسی رسانه‌ای یا تماس با جوامع مدنی، مذاکرات در فضای واقعی، گران، بسته، و آهسته به دلیل ضرورت‌های ارتباط دولتی ادامه یافته است.

از دیگر نقش‌های دیپلماسی، "صیانت از منافع ملی" است. تحول دیجیتال، مفهوم منافع ملی را توسعه داده و مفاهیمی نظیر احترام و اعتبار بین‌المللی را به عنوان منافع ملی در فضای مجازی مطرح ساخته که عمدتاً از طریق حضور در رسانه‌های اجتماعی قابل تأمین است. آمریکا در این زمینه بر اساس الگوی ایدئولوژیک و سلطه طلبانه‌اش، دو مفهوم بی سابقه "آزادی اینترنت جهانی" و "رهبری آمریکا بر اینترنت" را به مجموعه منافع ملی خود اضافه و از سال ۲۰۱۰ به دیپلمات‌های خود دستور داده است تا مفهوم آزادی اینترنت را در اولویت سازمان ملل و نهادهای آن قرار دهند و آن‌را در قطعنامه‌های آمریکا در شورای حقوق بشر، بگنجانند. آمریکا هم‌چنین تلاش کرده است تا مفهوم "منافع جهانی" را در چارچوب الگوی

جهانی شدن ترویج و با منافع ملی خود ترکیب کند و به این ترتیب، الگوی ترکیبی منافع جهانی-ملی و منافع دو فضای را ایجاد نماید، الگویی که با ارتقای آزادی اینترنت به سطح حقوق بشر جهانی و منافع ملی-جهانی، بستر مداخله آن کشور در سایر کشورها به بهانه آزادی اینترنت، فشار دیپلماتیک، اعمال تحریم ها، حمایت از حرکت های مدنی و انقلاب های رنگی، و جنگ را تقویت می کند. ائتلاف آزادی بر خط FOC الگوی یک اقدام دیپلماتیک دوفضایی است که همکاری چندوجهی دولت ها، موسسات غیردولتی، نخبگان، دانشگاه ها و شرکت های ۳۸ کشور را برای تاکید بر آزادی اینترنت جهانی مد نظر دارد. شعار نشست ۲۰۲۳ وزرای خارجه این ائتلاف در نیویورک، حفاظت و ترویج آزادی های اساسی، مقابله با اقتدارگرایی رو به رشد دیجیتال و استفاده نادرست از فن آوری های دیجیتال، پیشبرد هنجارها، اصول و پادمان های هوش مصنوعی، و تقویت هم گرایی دیجیتال، اعلام شد (US State Department, 2023).

۳. سازمان دیپلماسی

ساختار دستگاه دیپلماسی در بسیاری از کشورها برای تطبیق با جهان دوفضایی دچار تغییرات جدی شده، یک تحول کلان و یک تحول خرد را شاهد بوده و همزمان شاخه های تازه ای در آن ایجاد شده است. سازمان دیپلماسی اکنون به بخشی از یک سازمان بزرگ تر و ملی دیپلماتیک تبدیل گردیده و در سطح سازمانی هیبریدی شده است. به دلیل تأثیرات گسترده فضای مجازی، بحث در مورد ادغام دستگاه دیپلماسی در یک چارچوب گسترده تر به عنوان "نظام دیپلماتیک ملی"، شامل تمامی ادارات و آژانس های دولتی و غیردولتی مطرح شده و دو گرایش وجود دارد: نظریه "پراکندگی"، شرایطی که سایر وزارتخانه ها وظایف بین المللی بیشتری را برعهده می گیرند و نظریه "متمرکز" که سازمان های مرکزی، بویژه وزارت خارجه نقش مهم تری در دیپلماسی می یابد. در وضعیت جدید، وزارت خارجه احتمالاً یک زیر سیستم با دو نقش متفاوت است: مرکز یک شبکه دیپلماتیک، یا بخشی از آن. بحث این است که دیپلماسی به طور فزاینده ای تبدیل به فعالیت کل دولت شده است (Hocking & Melissen, 2015: 27). در آمریکا، افزایش مداخله رئیس جمهور و تیم امنیت ملی وی در دیپلماسی موجب اعتراض دیپلمات ها گردیده است؛ تا اندازه ای که گستردگی مداخله دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ موجب استعفای دسته جمعی گروهی از دیپلمات های ارشد آمریکا شد.

امروزه، دیپلماسی دیجیتال؛ دیپلماسی الکترونیک؛ دیپلماسی سایبری؛ و دیپلماسی شبکه‌های اجتماعی - توییپلماسی، از زیرشاخه‌های تازه دیپلماسی در نتیجه توسعه فضای مجازی هستند. برخی شاخه‌های قدیمی تر دیپلماسی متحول شدند؛ دیپلماسی عمومی یک‌سویه با دیپلماسی عمومی ۲، مبتنی بر الگوی تعامل دوسویه جایگزین شده، و دیپلماسی رسانه‌ای با توییپلماسی ترکیب شده است.

اصلاحات سازمانی گسترده‌ای در ساختار دیپلماسی بسیاری از کشورها بر اساس میزان درک آن‌ها از تغییرات در بافت اجتماعی / فن‌آوری ناشی از "فن‌آوری ارتباطات هم‌زمان" در حال انجام است. لذا طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ حداقل شش گزارش عمده از سوی کنگره و تیم‌های تحقیقاتی ارشد و نیز وزارت خارجه آمریکا پیرامون تأثیر فضای مجازی بر دیپلماسی تهیه شد که همه بر لزوم اصلاح یا دگرگونی فوری و گسترده در ساختار منسوخ دستگاه دیپلماسی آمریکا تأکید کرده‌اند.

در آمریکا، تحول در ساختار در دو سطح قابل مشاهده است: ایجاد ساختارهای جدید، دو فضایی‌شدن سایر بخش‌ها. تأسیس معاونت دیپلماسی عمومی از نتایج توسعه فضای مجازی است. علاوه بر معاونین سیاسی، اقتصادی، امنیت بین‌المللی، و مدیریت، یک معاون وزیر رسیدگی به دیپلماسی عمومی و معاون دیگر وظیفه ترویج ارزش‌های لیبرال مانند دموکراسی و حقوق بشر را برعهده دارد. همچنین چند آژانس نیمه مستقل مدیریت جنبه‌هایی از دیپلماسی را برعهده دارند؛ مانند آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، و آژانس رسانه‌های جهانی. آژانس رسانه‌های جهانی از موسسات جدید و بازوهای اصلی حضور در فضای مجازی است.

وزارت خارجه، آژانس اصلی سیاست خارجی آمریکا و وزیر خارجه مشاور اصلی رئیس جمهور در سیاست خارجی است. نقش اصلی این وزارت‌خانه پیشبرد و اجرای سیاست خارجی رئیس جمهور است. بودجه این وزارت‌خانه در سال ۲۰۲۳ بیش از ۶۰ میلیارد دلار بود. از این میزان، حدود ۷.۶ میلیارد دلار به موضوعات مرتبط با فضای مجازی تخصیص یافته و ۳۵۰ میلیون دلار به توسعه دسترسی سایر کشورها به فضای مجازی، مقابله با انسداد اینترنت، و امنیت فضای سایبری اختصاص دارد (U.S. State Department, 2023). همچنین، برای انطباق با تحول دو فضایی، ساختار این وزارت‌خانه شاهد دو طیف از تغییرات بود؛ تأسیس ادارات تخصصی تازه و یا افزودن دستور کار مجازی به ادارات موجود:

۱. تأسیس "دفتر فضای مجازی و سیاست دیجیتال" (CDP)؛ در آوریل ۲۰۲۲ براساس نظر کنگره در سطح دستیار معاون وزیر با سه اداره: امنیت فضای سایبری بین‌المللی، سیاست

- اطلاعات و ارتباطات بین المللی، و آزادی دیجیتال. هدف دفتر پیگیری دیپلماسی سایبری، امنیت سایبری، قوانین بین المللی رفتار در فضای سایبر و مقابله با خراب کاری سایبری است. رئیس دفتر توسط رئیس جمهور و به عنوان "سفیر آمریکا در فضای مجازی" معرفی می گردد (Mueller, 2023). قبل از آن، "دفتر هماهنگ کننده مسائل مجازی" از سال ۲۰۱۱ دیپلماسی سایبری آمریکا را مدیریت می کرد (Fytrel, 2021: 15).
۲. تأسیس "شورای داده سازمانی" (EDC)؛ وظیفه این شورا، ابزارسازی داده به عنوان سرمایه راهبردی از طریق روندهائی است که داده را قابل مدیریت و در دسترس دیپلمات ها و عملیاتی برای اقدام دیپلماتیک می نماید و سواد و تسلط دیپلمات ها بر داده و فرهنگ اشتراک گذاری داده ها را افزایش می دهد (Charter of BCSDD, 2023).
۳. تأسیس تیم های اطلاع رسانی دیجیتال که وبلاگ ها به زبان های خارجی را به روز رسانی می کنند؛
۴. ایجاد واحد واکنش سریع که بر محتوای شبکه های اجتماعی و وبلاگ های خارجی نظارت و گزارش می دهد؛
۵. تأسیس شبکه اینترنت بین تمام آژانس های دولتی آمریکا، با هدف هماهنگ سازی گفتمان دولت؛
۶. ایجاد شبکه اینترنت امن و نرم افزارهای کاربردی و تجهیز تمامی آژانس های خارجی و آموزش کارکنان آنها؛
۷. سرمایه گذاری برای توسعه دیپلماسی در فضای مجازی؛ در سال ۲۰۲۲ مبلغ ۶۴۸ میلیون دلار برای توسعه فن آوری اطلاعات در دیپلماسی، ۱۴ میلیون برای اجرای معماری جدید فن آوری مجازی به منظور افزایش قدرت تحرک دیپلمات ها، ۸۵ میلیون برای امنیت سایبری، و ۱۰۰ میلیون برای مقابله با بدافزارها اختصاص یافت (USSD Budget Act, 2022).
- علاوه بر این، طی سال های اخیر اقداماتی برای توسعه فرهنگ سازمانی در باره دیپلماسی مجازی انجام گرفت، اقداماتی نظیر تأسیس وبلاگ "دیپلوپیدا"، به سبک ویکی پدیا به عنوان دایره المعارف دیپلماسی آمریکا، تأسیس ۴۷ جامعه تخصصی و موضوعی میان دیپلمات ها در شبکه های اجتماعی از طریق ابتکار "جوامع در وزارت خارجه"، ارائه آموزش های پیشرفته برای بهبود مهارت ها در دیپلماسی عمومی و مجازی از طریق "ابتکار آمادگی دیپلماتیک" (DRI) لذا بخش های زیر در نتیجه تحول دیجیتال، دچار تغییر شدند:

۱. "دفتر اطلاعات و تحقیقات" (INR) بخشی از وزارت خارجه و عضوجامعه اطلاعاتی آمریکا با مأموریت ارائه اطلاعات به موقع و عینی برای پیشبرد دیپلماسی است. اداره امور سایبری و اداره تحقیقات افکار عمومی به این بخش اضافه شده است.
۲. "آژانس رسانه‌های جهانی آمریکا" (USAGM)، در سال ۲۰۱۸ با تغییر نام "شورای مدیران خبررسانی" (BBG) در نتیجه تقاضا برای تطبیق آن با شرایط فضای مجازی، تأسیس شد و با ۸۱۰ میلیون دلار بودجه از وزارت خارجه (۲۰۲۲) وظیفه کمک به پیشبرد منافع دیپلماتیک با استفاده از رسانه‌های سنتی و مدرن اجتماعی به ۶۲ زبان را برعهده دارد. بخش "صندوق فن‌آوری آزاد" در این آژانس وظیفه طراحی فن‌آوری دسترسی به افکار عمومی روسیه، چین و ایران را بر عهده دارد.
۳. در معاونت مدیریت، اداره مدیریت منابع اطلاعاتی IRM و اداره امنیت دیپلماتیک DS وظیفه حفاظت از اطلاعات، سیستم‌های کامپیوتری و امنیت محیط واقعی و مجازی برای دیپلماسی را برعهده گرفته‌اند.
۴. معاونت "دیپلماسی عمومی و امور عمومی" بازطراحی و بخش‌های زیر به آن اضافه گردید:
 - الف. "مرکز تعامل جهانی" به‌عنوان یک ابتکار دفاعی برای مبارزه با کمپین‌های اطلاع‌رسانی کشورهای دیگر در فضای مجازی آمریکا؛ با دو میلیون دلار بودجه (۲۰۲۲) (USSD Magazine, 2022). این مرکز یک وبسایت با عنوان "خلع سلاح اطلاعات نادرست" را مدیریت می‌کند و مستقیماً به شبکه‌ای از دیپلمات‌های خارجی، اتاق‌های فکر و روزنامه‌نگاران دسترسی دارد.
 - ب. اداره برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی (IIP) با دستور کار پشتیبانی از تماس دیپلمات‌ها با افکار عمومی و غنی‌سازی آن. این اداره با ارائه مکان، محتوا و زیرساخت‌های مورد نیاز از تعامل پایدار با مخاطبان خارجی و تقویت احترام حمایت می‌کند. بیش از ۷۰۰ فضای واقعی و مجازی (وبسایت) آمریکایی در سراسر جهان و همچنین یک جامعه بزرگ رسانه‌های اجتماعی؛ ۲۸۸ حساب فیس‌بوک، ۲۰۰ حساب توئیتر و ۱۲۵ حساب یوتیوب، با ۱۲ میلیون دنبال‌کننده در خدمت این اداره است و به‌علاوه محتوای مورد نیاز شامل نشریات، ویدئو و سخنرانی‌های تخصصی را در اختیار می‌گذارد (Hyden, 2012: 10).
 - ج. اداره رسانه‌های اجتماعی جهانی با هدف گسترش حضور در فضای مجازی از طریق رسانه‌های اجتماعی جدید و وب. این تیم وبلاگ رسمی دیپلو، و حساب‌های رسمی وزارت

¹. Disarming Disinformation

خارج در رسانه های اجتماعی مانند توئیتر، فیس بوک، یوتیوب، فلیکر و اینستاگرام را مدیریت می کند.

د. دفتر سیاست، برنامه ریزی و منابع (R/PPR) قابلیت برنامه ریزی راهبردی و سنجش عملکرد را برای برنامه های دیپلماسی عمومی فراهم می کند.

نتیجه گیری

تحول در فن آوری ارتباطات و ظهور پدیده فضای فراگیر مجازی که از کیفیت کاملاً متمایزی نسبت به فضای واقعی برخوردار است، موجب جلب توجه پژوهشگران به اهمیت فضا در تحولات اجتماعی گردید. نظریه دو فضایی شدن متمرکز بر کشف و توضیح ماهیت دوگانه فضای جدید زندگی اجتماعی متشکل از دو فضای موازی مجازی و واقعی است و از آن برای مطالعه تحولات در دسته ای از پدیده های اجتماعی استفاده شده است. کاربست این پارادیم برای بررسی تحولات دیپلماسی در نتیجه ظهور فضای مجازی، نوآورانه و منجر به ارائه درک تازه ای از مشخصات دیپلماسی در دو فضای متفاوت مجازی-واقعی و شکل ترکیبی آن می شود.

لذا چند مشخصه برجسته فضای مجازی شامل؛ غیرمکانی بودن، غیرزمانی بودن، سرعت زیاد، بی نهایت بودن، ارزان بودن، داده شدگی و آشوبناک بودن این محیط در قیاس با فضای واقعی که کاملاً فیزیکی، محدود به مکان و زمان، گران، تحت حاکمیت دولت و قوانین موضوعه می باشد؛ در دیپلماسی و به ویژه دیپلماسی آمریکا مورد مطالعه قرار گرفت و در ادامه پیوندهای دو فضای واقعی و مجازی که به طور موازی با یکدیگر در تمامی سطوح زندگی جریان و رقابت دارند و با ادغام با یکدیگر فضای پست مدرن زندگی اجتماعی را تشکیل می دهند، بررسی شد. مشخص گردید که این پیوندها به طور عمده از نوع رقابت، مهاجرت فعالیتها و ساختارها به فضای مجازی و تقلید از فضای واقعی زندگی است و به تدریج در حال جایگزینی و یا حذف بخش هایی از کارکردهای دیپلماسی در فضای واقعی با معرفی الگوها و روش های فوری تر، فراگیر، شفاف تر، قابل محاسبه تر، ارزان تر و در مجموع قدرتمندتر برای تعاملات دیپلماتیک است.

این پژوهش با بررسی طیف وسیعی از اسناد نشان داد که سه مفهوم بنیادین دیپلماسی؛ "قدرت"، "حاکمیت ملی"، و "منافع ملی"، در نتیجه ظهور فضای مجازی، کیفیت های متفاوت و دوگانه ای پیدا کرده و همراه با این تحول دیپلماسی را پیچیده تر، وسیع تر، چندجهتی، چند بازیگری، و تخصصی تر نموده اند. مصادیق این تحول و نتایج آن در دیپلماسی آمریکا به عنوان

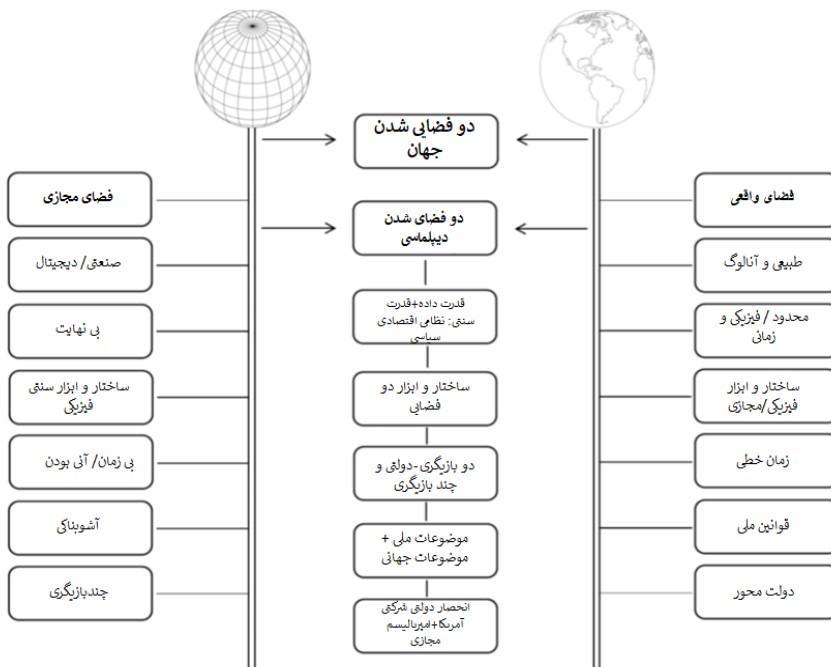
توسعه دهنده و مالک بخش عمده ای از فضای مجازی جهان و علاقمند به انحصارطلبی و رهبری آن، ارائه گردید.

تحول در نهاد دیپلماسی، شامل هنجارها، قواعد و رفتارها، در نتیجه ظهور فضای مجازی به طور مستقل بررسی و نشان داده شد که هر سه مؤلفه دچار تغییرات مجازی شده و کیفیت دو فضایی پیدا کرده‌اند. هنجارهای جهان‌شمول و هنجارهای اختصاصی دیپلماسی آمریکا، شامل هنجار رازداری دیپلماتیک، استثناگرایی و هژمونیسم آمریکایی، در مواجهه با فضای مجازی متحول و دیپلماسی آمریکا در فضای جدید به دلایلی نظیر قدرت منحصر به فرد، به امپریالیسم دوگانه مجازی / واقعی تغییر کرده است. تحول در قواعد جهان‌شمول دیپلماسی نظیر "اصل اقدام متقابل" و "اصل مصونیت" و قواعد اختصاصی دیپلماسی آمریکا شامل "اتحاد و شبکه‌سازی"، "ایدئولوژی" و "عمل‌گرایی" جداگانه مطالعه و مشخص گردید که فضای مجازی با کیفیت متمایزش، قواعد عمومی و اختصاص دیپلماسی آمریکا را هیبریدی ساخته و در نتیجه دیپلماسی سریع‌تر، ارزان‌تر و تا حد زیادی غیر متمرکز شده است.

تحول در نقش‌های اصلی دیپلماسی شامل؛ نمایندگی، رصد و گزارش‌دهی، ارتباطات، مذاکرات و صیانت از منافع ملی، تغییرات قابل توجه در آن‌ها در سطوح مفهومی و ابزاری را اثبات کرد و مشخص گردید که نقش‌های دیپلماسی آمریکا نیز تحت تأثیر این تحول، دوگانه شده‌اند، هوش مصنوعی نقش رو به رشدی در رصد محیط دیپلماسی فراگیر بر عهده گرفته، ارتباطات دیپلماتیک قالب هیبرید، آنلاین- آفلاین پیدا کرده‌اند، مذاکرات دیپلماتیک شکل مشابهی یافته‌اند، و منافع ملی با منافع بین‌المللی ترکیب و منجر به مداخلات امپریالیستی در فضای مجازی کشورها شده است. در بخش پایانی نیز تحول در سازمان دیپلماسی، با تأکید بر ساختار دستگاه دیپلماسی آمریکا مطالعه و علائم دوگانه شدن این ساختار در دو قسمت، هیبریدی شدن بخشی از ساختارهای موجود، و ایجاد ساختارهای اختصاصی فضای مجازی روشن گردید. این پژوهش با باز کردن جعبه دیپلماسی و مطالعه اجزای مفهومی، نهادی و سازمانی آن نشان داد چگونه دیپلماسی در بنیان، رفتار و اجزای خود تحت تأثیر مؤلفه‌های اثرگذار فضای مجازی شامل؛ صنعتی بودن فضا، سرعت زیاد، عمودی بودن تعاملات، شفاف بودن، داده‌ای شدن قدرت، بازیگران متکثر و موضوعات متکثر، متحول و دوگانه شده و شاخه‌های جدیدی یافته است. دیپلماسی از طریق تطبیق اجزای قبلی خود با شرایط جدید، هیبریدی ساختن بخش زیادی از نقش‌ها، هنجارها و کارکردهای قبلی، کاهش یا حذف برخی کارکردهای

ناسازگار، و نیز تأسیس اجزای جدید، در نهایت قالب دو فضایی به خود گرفته است و بدون در نظر گرفتن این دو فضا نمی توان درک کاملی از دیپلماسی پست مدرن داشت. این یک مطالعه منحصر به فرد در زمینه تأثیر فضای مجازی بر دیپلماسی با تکیه بر نظریه دوفضایی شدن است و یک پایه نظری فراگیر برای مطالعه دیپلماسی و بویژه دیپلماسی آمریکا ارائه می کند، هر چند به دلیل وسعت عظیم دامنه دیپلماسی، پیچیدگی و پنهان بودن اجزای مختلف آن، بی نقص نیست.

شکل ۱- دوفضایی شدن دیپلماسی



منابع و مآخذ

فارسی:

- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۲) دو جهانی شدن ها و جامعه جهانی اضطراب، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، مهر ۱۳۸۲
- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۹) دوج جهانی شدن ها و ارتباطات بین تمدنی: تحلیل روشمند ارتباط فرهنگی در جهان، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره: ۳، شماره: ۱، صفحات: ۱-۳۷
- عاملی، سعید رضا (۱۳۹۰) مطالعات جهانی شدن، دو فضایی شدن ها و دو جهانی شدن ها، تهران: نشر سمت

انگلیسی:

- Albright, Madeleine K. (1998) (Interview) **NBC-TV**, February 19.
- Bhatia, Umej, (2023), "Human Report: A Summary of Web Debate By Experts", **Diplo**.
- Biswas, Bidisha & Goel, Anish(2018), "What Comes After US Hegemony?" **The Diplomat**.
- Bjola, Corneliu & Murray, Stuart (2016), "secret Diplomacy: Concept, Context and Cases", **Diplo**.
- Bjola, Corneliu (2018), "Diplomacy in the Digital Age", **Elcano Royal Institute**
- Bladi, Stefano(2023), "Interview: Diplomacy; between tradition and innovation", **Diplo**.
- Callahan, Patrick (2003), **Logics of American Foreign Policy: Theories of America's World Role**, New York : Longman.
- Cambridge University (2009), "Reciprocity in international relations".
- Clinton, Hillary(2009), "Remarks on U.S Diplomacy", **US State Department**.
- Clinton, Hillary (2010), "Remarks on Internet Freedom", **US State Department**.
- Cohen, Raymond (1990), **Negotiating Across Cultures**, United States Inst of Peace Pr.
- Collier, David and Elman, Colin (2008) **Qualitative and Multi-Method Research: Organizations, Publication, and Reflections on Integration**, Oxford Handbook of Political Methodology, Oxford: Oxford University.
- Craig, Hanna(2017), "The power of data", **Global Marketing Alliance**. At: <https://www.the-gma.com/power-of-data-oil-engine>
- Der Derian, J.(1987), "Mediating Estrangement: A Theory for Diplomacy", **Review of International Studies**, Vol. 13, 1987, No. 2, 91-110.
- Diplonote(ND), "What is Diplomacy?".
- Diplonote (2013), "Diplomacy and information gathering in the 'post-Snowden' era".
- Diplo (2022), "Internet and social media: A focus on diplomacy".
- Diplo (2022), "Digital Diplomacy and Government Trends for 2022".
- Fendrick, Reed J. (2014), "Diplomacy as an instrument of national power" **U.S. Army War College Guide to National Security Issues**, Vol. 1, pp. 189-194.
- Fidler, David P.(2013), "Internet Governance and International Law: The Controversy Concerning Revision of the International Telecommunication Regulations", **American Society of International Law**, Volume: 17, February 07, 2013, Issue: 6, NP.

- Fytrell, Katryn (2021), "Office of Coordinator for Cyber Issues", **State Magazine**.
- Gilboa, Eytan (2001), "Diplomacy in the Media Age: Three Models of Uses and Effects", **Diplomacy and Statecraft**, Vol.12, 1-28.
- Gravis, Matthew (2021), "US Department of State Launches First Ever Data Strategy", **Dipnote**.
- Greenwald, Glenn (2013), "X Key score: NSA tool collects nearly everything a user does on the internet", **The Guardian**, 31. Jul. 2013.
- Guehenno, Jean Marie (1995) **The End of The Nation State**, Minnesota:University of Minnesota.
- Hamilton, Keith & Langhorn, Richard (2011) **The Practice of Diplomacy; Its Evolution, Theory and Administration**, London: Routledge.
- Hass, Richard (2020),"The State of Global Governance", **Council on Foreign Relations**, 2020.
- Hayden, Craig (2012), "Social Media at State: Power, Practice, and Conceptual Limits for US Public Diplomacy", **Global Media Journal**, Fall, Vol.11, NP.
- Holmes, M. (2015), "Diplomacy after Policymaking: Theorizing Hyper-Empowered Individuals". **International Studies Review**, 17, 2015, 4, 708–710.
- Hocking, Brian & Melissen, Jan (2015), "Diplomacy in the Digital Age", **Clingendael**.
- Hongju Koh, Harold (2012) , "International law in cyber space", **US State Department**.
- James, Alan (1980), "Diplomacy and International Society", **International Relations**, 6, 931–948.
- Jefferson, Thomas, (ND),"The Complete Works of Thomas Jefferson", Archieve, No Code, U.S.
- Jönsson, Christer & Hall, Martin (2005), **Essence of Diplomacy**, London" Plagrave.
- Kerr, Pauline & Wiseman, Geoffrey (2017), **Diplomacy in globalized world**, Oxford: Oxford University.
- Kiggins, Ryan, D. (2014), "US Leadership in Cyberspace: Transnational Cyber Security and Global Governance", In: **Cyberspace and International Relations**, London" Palgrave.
- Kimball, Warren (ND), "Alliance, Coalitions, and Eetentes, American Foreign Policy", **Council of Foreign Relations**.
- Kimball, Warren (2017), "American Foreign Relations", **Council of Foreign Relations**.
- Kissinger, Henry (1994) **Diplomacy**, New York, Simon & Shuster
- Kissinger, Henry (1999) **Years of Renewal**, New York: Simon and Schuster
- Kissinger, Henry (2014), **World Order**, New York: Pinguen
- Lakoff, George & Mark L. Johnson (1999) **Philosophy in the flesh: the embodied mind and its challenge to Western thought**, New York: Basic Books
- Larson, Deborah Welch, (2017), **Archival Research in Foreign Policy in: Oxford Research Encyclopedia of Politics**, Oxford: Oxford University.
- Lee, T. H. (International Law, International Relations Theory, and Preemptive War) **Law and Contemporary Problems**, 2004, 67(4) 147–167.
- Lefebvre, Henri (1991) **The Production of Space**, London: Blackwell .
- Leijssenaar, Bas, and Neil Walker (2019), **Sovereignty in Action**, Cambridge: Cambridge University.
- Lewis, Dev (2013), "Controlling cyberspace", **Gateway House**.

- Maley, William (2016), **Quiet and Secret Diplomacy in: Sage Hand Book of Diplomacy**, London: Sage
- Masters, Jonathan (2017), "US Foreign Policy Powers", **Council on Foreign Relations**.
- Mazzeti, Mark (), "US Expands Role of Diplomats in Spying", **New York Times**.
- Meinecke, Friedrich (1998), **Machiavellism: The doctrine of raison d'État and its place in modern history**, London: Routledge
- Morgenthau, Hans J. & Thomson, Kenneth (1986), **Politics Among Nations: The Pursuit of Power and Peace**, New York: Alfred A. Knopf
- Mueller, Julia (2023), "Top US Cyber Diplomat Says Twitter Account Hacked", **The Hill**.
- National Interest(ND) Encyclopaedia of Political Science.
- Nye, Joseph (2003) **The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone**, Oxford:Oxford University
- Nye, Joseph (2011), **The future of power**, New York: PublicAffairs
- Nye, Joseph (2012), "Cyber Security; A New Domain for National Security", **Aspen Strategy Group**.
- Onuf, P.S. (2012), "American Exceptionalism and National Identity", **APSA**.
- Oatley, Thomas (2019). **International Political Economy**, London: Routledge.
- Pamment, James (2014), "The Mediatization of Diplomacy", **The Hague Journal of Diplomacy**, 29, August.
- Paris, Francesco & Ghei, Nita (2003), "The Role of Reciprocity in International Law", **Cornell International Law Journal**, Spring, Vol. 36, 93-123
- Pigman, Geoffrey (2010) **Contemporary Diplomacy** , London: Polity
- Powell, Colin (2004), "Three Principles of Diplomacy", **Woodrow Wilson Institute**.
- Rosenau, James (1990), **Turbulence in World Politics**, Princeton: Princeton University
- Rosenau, James (2003), **Distance Proximities, Princeton**, Princeton University Press
- Ross, A. (2011), "Digital diplomacy and US foreign policy", **The Hague Journal of Diplomacy**, 6, 451-455.
- Schmidt, Eric & Cohen, Jared (2013) **The New Digital Age**, London: Vintage
- Schutt, R. K., (2006) **Investigating the Social World: The Process and Practice of Research**, London: Sage
- Schwarzenbach, Bjorn (2015), "Twitter and Diplomacy: How Social Media Revolutionizes Interaction With Foreign Policy", **The Diplomatic Envoy**.
- Sen, B. (1965), **Functions of a Diplomatic Agent. In: A Diplomat's Handbook of International Law and Practice**. Springer, Dordrecht.
- Sharp. Paul, & Wiseman, Geoffrey (2012), **American Diplomacy**, Massachusetts: Martinus Nijhof.
- Skopol, Theda (2003), **States and Social Revolutions**, Cambridge: Cambridge University
- Slaughter, Anne-Marie (2009), "America's Edge: Power in the Networked Century", **Foreign Affairs**, 88(1), 94-113.
- Slaughter, A.-M. (2013), "How to Succeed in the Networked World: A Grand Strategy for the Digital Age", **Foreign Affairs**, 95(6), 76-89
- Solymar, Laszlo (1999) **Getting the Message, A history of communication**, Oxford: Oxford University

- Sprout, Harold & Sprout, Margaret (1956) **Man-milieu Relationship Hypotheses in the Context of International Politics**, Princeton: Princeton University.
- Stanzel, Volker (2018), “New Realities in Foreign Affairs: Diplomacy in the 21st Century”, **SWP**.
- NN (2020), “Heads of States with the most Tweeter Followers”, **Statistica**.
- Tran, V. D. (1987). **Communication and Diplomacy in a Changing World**, United States: Ablex
- UN Charter (1947). At : <https://www.un.org/en/about-us/un-charter>
- UNESCAP (2022), “Meet TINA 3.0 – the United Nations’ new advisor for trade”, **UNESCAP**.
- United States Department of State (2020), “Charter of Enterprise Data Council”.
- United States Department of State (2022), “The Global Engagement Center”, State Magazine.
- United States Department of State (ND), “Bureau of Intelligence and Research”.
- United States Department of State (ND), “Bureau of Public Diplomacy and Public Affairs”.
- USAGM (2023), “US Agency for Global Media: retrieved: 2023.
- US State Department (2022), “Budget Act”.
- US State Department (2023), “Budget Act”.
- US State Department (2023), “Statement by Bureau of Democracy, Human Rights and Labor”.
- U.S. Congress (1999), “Report on Diplomacy Reform”.
- US Department of State(2018), “US diplomatic List”.
- US Institute for Peace(2002), “US Negotiation’s Behaviour.
- U.S. State Department (2023), “Charter of Bureau of Cyber Space and Digital Diplomacy”.
- Walt, Stephen (2011), “The Myth of American Exceptionalism”, **Foreign Policy**, Oct. 11

